

## پدیدارهای وجودی در خیانت زناشویی مردان

### Existential Phenomena in Men's Marital Infidelity

<https://dx.doi.org/10.52547/JFR.17.3.483>

**M. Choupani, Ph.D Student**

Department of Counseling, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

**M. Fatehizade, Ph.D**

Department of Counseling, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

**F. Asanjarani, Ph.D**

Department of Counseling, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

**A. M. D. C. Correa, Ph.D**

Department of Psychology, University del Norte, Barranquilla, Colombia.

**موسی چوپانی**

گروه مشاوره، دانشگاه اصفهان

**دکتر مریم فاتحی‌زاده** ✉

گروه مشاوره، دانشگاه اصفهان

**دکتر فرامرز آسنجرانی**

گروه مشاوره، دانشگاه اصفهان

**دکتر آلبرتو ماریو دی کاسترو کوریا**

گروه روان‌شناسی، دانشگاه دل نورت کلمبیا

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۶/۲۹

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۰/۷/۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۷/۵

#### Abstract

Explaining the cause of tendency to marital infidelity, especially among people with religious backgrounds, merely focusing on elements such as emotional-sexual dissatisfaction or marital conflict, is a sort of superficial. The purpose of this study is to analyze the phenomena in men's marital infidelity.

#### چکیده

تبیین چرایی گرایش به خیانت زناشویی به‌ویژه در افراد دارای بنیادهای دینی و مذهبی، صرفاً با تأکید بر عواملی نظیر نارضایتی عاطفی - جنسی و یا تعارض زناشویی، نوعی سطحی‌نگری است.

✉ Corresponding author: Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Email: [m.fatehizadeh@edu.ui.ac.ir](mailto:m.fatehizadeh@edu.ui.ac.ir)

✉ نویسنده مسئول: دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه مشاوره.

پست الکترونیکی: [m.fatehizadeh@edu.ui.ac.ir](mailto:m.fatehizadeh@edu.ui.ac.ir)

The method of the current study is based on the interpretive-phenomenological method. The researcher selected and interviewed 18 married men who had committed infidelity in Shahindaj city, West-Azerbaijan, Iran to participate in the study using purposive sampling. Interviews were analyzed using the interpretive-phenomenological analysis method of Dickelman & et al. The analysis of these people led to the identification of six sub-themes (escape from contemplation & pause, escape from destiny, struggle with existential loneliness, hollow and desire-oriented love, value transformation and escape from existential emptiness) and a major theme (of existential alienation). Revealing these factors not only increases information and awareness about the how cues of marital infidelity is formed and intensified from an existential point of view, but also showed that increasing one's awareness toward one's nature and leads to reducing alienation from its dimensions; these issues are things that can reduce a one's desire to the experience of marital infidelity.

**Keywords:** Marital Life, Infidelity, Existential Phenomena.

هدف این پژوهش واکاوی پدیدارهای وجودی در خیانت زناشویی مردان بود. روش پژوهش حاضر کیفی از نوع پدیدارشناسی تفسیری است. پژوهشگر از میان مردان متأهل دارای تجربه خیانت زناشویی در شهرستان شاهین‌دژ ۱۸ نفر را برای مشارکت در پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و مورد مصاحبه قرار داد. مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری دیکلمن و همکاران تحلیل شدند.

واکاوی تجربیات زیسته این افراد منجر به شناسایی شش زیرمضمون (درنگ‌گریزی، سرنوشت‌ناپذیری، کشمکش با تنهایی وجودی، عشق توخالی و میل‌محور، استحاله ارزشی و پوچی‌گریزی) و یک مضمون اصلی (از خودبیگانگی وجودی) شد. آشکارسازی این عوامل ضمن افزایش اطلاعات و آگاهی درباره چرایی شکل‌گیری و تشدید خیانت زناشویی از دیدگاه وجودی، نشان داد که افزایش بینش فرد نسبت به ماهیت خود و کاهش بیگانگی با ابعاد آن، از جمله لازمه‌هایی است که تحقق آن می‌تواند تا حد زیادی از تمایل فرد به تجربه خیانت زناشویی بکاهد.

**کلیدواژه‌ها:** زندگی زناشویی، خیانت، پدیدارهای وجودی.

## مقدمه

خیانت زناشویی<sup>۱</sup> از گستردگی مفهومی و نظری زیادی برخوردار است و دستیابی به تعریفی واحد و مشترک از آن، که در تمامی جوامع و فرهنگ‌ها از پذیرش برخوردار باشد، تا حد زیادی دور از انتظار است (ویسر و وویگل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵). تعاریف نظری و کاربردی این مفهوم بین‌فردی، متفاوت و گسترده است ولی به‌طور کلی خیانت را برقراری هرگونه رابطه صمیمانه و توأم با نوازش در بُعد جنسی و عاطفی با نفر سوم تعریف می‌کنند که تعهد رابطه زناشویی را نقض کند و با رنج‌های عاطفی در همسر خیانت‌دیده همراه باشد (جیکینس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵؛ چوپانی، سهرابی‌فرد، محمدی، اسماعیلی و همکاران<sup>۴</sup>، ۱۳۹۸). به عبارت دیگر خیانت

زناشویی داشتن رابطه‌ای پنهانی (واقعی یا مجازی) با فردی غیر از همسر و شریک قانونی زندگی است که به سه دسته خیانت عاطفی<sup>۵</sup>، خیانت جنسی<sup>۶</sup> و خیانت عاطفی - جنسی<sup>۷</sup> تقسیم می‌شود (زارع<sup>۸</sup>، ۲۰۱۱؛ لابری کوی و ویسمان<sup>۹</sup>، ۲۰۱۷).

اگرچه درصد زیادی از مردم در جوامع مختلف، رابطه تک‌همسری را تنها شیوه مطلوب و مشروع، برای ارضای نیازهای عاطفی و جنسی قلمداد می‌کنند (پاچر<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۷)، با این حال آبروگ<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۶) در پژوهش خویش این واقعیت تلخ را آشکار ساخت که صرف وجود نگرش منفی نسبت به خیانت زناشویی، مانع از گرایش افراد به این شکل ارتباطی نمی‌شود و بیش از ۲۰٪ از مخالفین این قالب ارتباطی، خود درگیر این نوع روابط هستند. ایندور، پری‌پالدی، هیرسچبرگر، بیرن‌باوم و همکاران<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۵)، در پژوهش خویش نشان دادند که ۲۱٪ از مردان و ۱۵٪ از زنان در طول زندگی زوجی خویش، خیانت زناشویی را تجربه کرده‌اند. مارک، جانسون و میل‌هاوسن<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۱) در پژوهش خویش بر این واقعیت تأکید کردند که حدود ۲۰٪ از افراد در ایالات متحده، علاوه بر رابطه با همسر خویش، ارتباط عاطفی - جنسی با فردی دیگر را تجربه می‌کنند. در ایران نیز با اینکه متأثر از کم‌کاری‌های پژوهشی و محدودیت‌های فرهنگی، میزان شیوع این آسیب کارکردی به‌صورت کمی برآورده نشده است ولی مشاهدات تجربی و بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه نظیر پژوهش‌های هنرپروران<sup>۱۴</sup> (۱۳۹۳)، قره‌گوزلو، مرادحاصلی و عطادخت<sup>۱۵</sup> (۱۳۹۷)، سودانی، کریمی، مهرابی‌زاده‌هنرمند و همکاران<sup>۱۶</sup> (۱۳۹۱)؛ چوپانی و کرمی<sup>۱۷</sup> (۱۳۹۸)، چوپانی و همکاران (۱۳۹۸) شیوع این آسیب را در بین زوجین ایرانی به‌عنوان عامل نگرانی‌زا مورد تأکید قرار دادند.

تعدادی از پژوهشگران، خیانت زناشویی را آسیب درون‌فردی تلقی می‌کنند و بر این عقیده هستند که بدکارکردی‌های فردی نظیر تنوع‌طلبی جنسی و عاطفی<sup>۱۸</sup> (استیلمان، گارسیا و تاپلیس<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۹)، ارضای نیازهای فیزیولوژیکی (اومارزو، میلر، اسپولتز و تایمرمان<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۲)؛ طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه<sup>۲۱</sup> به‌ویژه در بعد عاطفی و جنسی (پورجرات<sup>۲۲</sup>، ۲۰۱۶؛ پرویزی و بهزادی‌پور<sup>۲۳</sup>، ۲۰۱۹)، ضعف در ایمان و اعتقادات مذهبی بازدارنده (چوپانی و همکاران، ۱۳۹۸)، برون‌گرایی<sup>۲۴</sup> (حمیدی، احمدی و ویسانی<sup>۲۵</sup>، ۱۳۹۳)؛ نبود تعهد<sup>۲۶</sup> (فای و میمس<sup>۲۷</sup>، ۲۰۱۸)، نبود عشق اصیل<sup>۲۸</sup> (استیلمان و همکاران، ۲۰۱۹؛ رفیعی و جمهری<sup>۲۹</sup>، ۱۳۹۷) اصلی‌ترین زمینه‌سازهای گرایش زوجین به این بحران بین‌فردی هستند. برخی دیگر از پژوهشگران، تأکید دارند که خیانت زناشویی آسیبی بین‌فردی است و اگرچه عوامل درون‌فردی نظیر عوامل روان‌شناختی و شخصیتی تا حدی در شکل‌گیری آن تأثیر دارند، ولی علل و عوامل بین‌فردی نظیر نارضایتی عاطفی<sup>۳۰</sup> (چوپانی و همکاران، ۱۳۹۸)، نارضایتی و خودشیفتگی جنسی<sup>۳۱</sup> (واراج، جوزف و گورمن<sup>۳۲</sup>، ۲۰۱۸)، سبک دلبستگی نایمن<sup>۳۳</sup> (بیلتران موریللاس، والورسیگورا و ایکسپوسیتو<sup>۳۴</sup>، ۲۰۱۹)، اصلی‌ترین زمینه‌سازهای بروز این آسیب هستند.

این آسیب کارکردی زمانی که اتفاق می‌افتد زمینه را برای بروز گستره‌ای از مشکلات درون‌فردی، بین‌فردی و محیطی در زوجین فراهم می‌کند و منجر به بروز خلل در کارکرد فرزندان و سایر اعضای خانواده می‌شود (یوان و ویسر<sup>۳۵</sup>، ۲۰۱۹). افسردگی<sup>۳۶</sup> (ازهر، عباس، وینهونگ، اختر و همکاران<sup>۳۷</sup>، ۲۰۱۸)، اضطراب و نگرانی<sup>۳۸</sup> (شروت و ویگل<sup>۳۹</sup>، ۲۰۱۷)، احساس گناه و خودمقصرانگاری<sup>۴۰</sup> (فیشر، وراکیک، ریکاس و کوکس<sup>۴۱</sup>، ۲۰۰۸)، استرس و تنش شدید<sup>۴۲</sup> (شیورانی، آزادفلاح، مرادی و اسکندری<sup>۴۳</sup>، ۱۳۹۵)؛ بدبینی و بی‌اعتمادی<sup>۴۴</sup>

(زینالی و امیرسردری<sup>۴۵</sup>، ۲۰۱۸)، و اختلال در سیستم خواب<sup>۴۶</sup> (سرمدی<sup>۴۷</sup>، ۱۳۹۷) از رایج‌ترین پیامدهای درون‌فردی حاصل از خیانت در زوجین است که به‌مرور کارآیی آن‌ها را به‌طور کامل مختل می‌کند. ناامنی ارتباطی<sup>۴۸</sup> (واراج و جوزف<sup>۴۹</sup>، ۲۰۱۹)، تعارضات و آشفتگی‌های زوجی<sup>۵۰</sup> (اوکونور و کانی‌ویلو<sup>۵۱</sup>، ۲۰۱۹)، مختل‌شدن صمیمیت زناشویی<sup>۵۲</sup> (وتلی<sup>۵۳</sup>، ۲۰۱۷)، ناراضی‌تی بین‌فردی<sup>۵۴</sup> (آمر<sup>۵۵</sup>، ۲۰۱۸)، جدایی عاطفی<sup>۵۶</sup> (بلادرامی دوبرین، استانتون، اشنایدر، کیگرانی و همکاران<sup>۵۷</sup>، ۲۰۱۷) و طلاق<sup>۵۸</sup> رسمی (شاکری<sup>۵۹</sup>، ۱۳۹۷) آسیب‌های بین‌فردی حاصل از وقوع خیانت هستند، آسیب‌هایی که منجر به ازهم‌گسیختگی سیستم خانواده و ثبات کارکردی آن می‌شود (لینودین، آیکول، فوتیادیس و چریستودولیدس<sup>۶۰</sup>، ۲۰۱۶). خیانت زناشویی صرفاً عملکرد زوجین را با اختلال مواجه نمی‌کند، بلکه کارآیی روان‌شناختی، بین‌فردی و محیطی فرزندان و سایر اعضای خانواده را نیز با ضعف همراه می‌سازد و کیفیت عملکردشان را در رسیدگی به تکالیف کارکردی خود در طی زندگی کاهش می‌دهد (اسچمیدت، گرین و پوریتی<sup>۶۱</sup>، ۲۰۱۶).

بررسی زوجین دارای تجربه خیانت حاکی از آن است که تغییر و تحولات ریشه‌ای و عمیقی در دیدگاه این افراد نسبت به زندگی زناشویی، عشق و حتی تعهد ایجاد شده است (استیلان و همکاران، ۲۰۱۹). تحولاتی که گرایش آن‌ها را به خیانت زناشویی تسهیل می‌کند. تجربه بحران‌های وجودی<sup>۶۲</sup> و بروز تغییرات اساسی در ساختار ارزشی و ماهیتی افراد، یکی از واقعیت‌هایی است که حرکت در مسیر خیانت و تجربه آن را برای افراد تسهیل می‌بخشد (می<sup>۶۳</sup>، ۱۹۸۱). خلقت بشر با گستره‌ای از خصایص و بنیادهای وجودی شامل خودآگاهی<sup>۶۴</sup> (بینش نسبت به ابعاد وجودی و ماهیتی خود و حرکت در مسیری همسو با جهت آن)، آزادی<sup>۶۵</sup> (اعتقاد به آزادبودن، احساس مسئولیت نسبت به تمامی ابعاد عملکردی خود، اضطراب آزادی و احساس گناه وجودی<sup>۶۶</sup>)، عشق<sup>۶۷</sup> (پیوندی عمیق، شغف‌آور و فداکارانه با ابژه‌ای که می‌تواند انسانی هم‌جنس، غیرهم‌جنس، خدا یا هر چیز دیگر باشد)، معنایابی<sup>۶۸</sup> (بینش نسبت به ضرورت داشتن معنا در زندگی و تلاش در جهت خلق و یا کشف آن)، تنهایی وجودی و ارتباط<sup>۶۹</sup> (آگاهی از تنهایی در فرایند معنایابی و ضرورت شکل‌دهی به روابط بین‌فردی)، اضطراب وجودی<sup>۷۰</sup> (اضطرابی که فرد زمان مواجهه با بنیادهای وجودی خود آن را تجربه می‌کند)، و مرگ و نیستی<sup>۷۱</sup> (مواجهه با مرگ و بهره‌گیری از آن جهت معنایابی و خلاقانه زندگی کردن) همراه است (کوری<sup>۷۲</sup>، ۲۰۱۳). وجود این ابعاد به خودی خود مثبت یا منفی نیست، بلکه چگونگی برخورد فرد با آن‌ها، جهت تأثیراتشان را تعیین می‌کند (تیمپلی و گال<sup>۷۳</sup>، ۲۰۱۶). بینش کم نسبت به ابعاد وجودی، بیگانگی با آن‌ها و همچنین حرکت در مسیری مغایر با طبیعت این ابعاد، سبب می‌شود هرکدام از آن‌ها ماهیت و کارکردی بحرانی به خود بگیرند و زمینه را برای بروز بدکارکردی‌های فردی، بین‌فردی و محیطی فراهم کنند (کرسچمر و استوم<sup>۷۴</sup>، ۲۰۱۸؛ طباطبایی‌بزرگی<sup>۷۵</sup>، ۱۳۹۷).

پیشینه‌های نظری و تجربی مورد بررسی حاکی از آن است که هسته‌های وجودی بر عملکرد زناشویی افراد تأثیر دارند و بحرانی‌شدن هرکدام از آن‌ها، در ایجاد بسیاری از بدکارکردی‌های زناشویی نظیر ناراضی‌تی، بی‌ثباتی، دلزدگی<sup>۷۶</sup> و آشفتگی‌های چندبُعدی<sup>۷۷</sup> نقش ایفا می‌کنند (کلانترکوشه<sup>۷۸</sup>، ۲۰۱۲؛ کشاورز<sup>۷۹</sup>، ۱۳۹۴). بحران‌های وجودی علاوه بر نقشی که در ایجاد بدکارکردی‌های فوق‌الذکر دارند می‌توانند در تسهیل گرایش افراد به خیانت زناشویی نیز تأثیر زیادی داشته باشند. اساسی‌ترین ماهیت وجودی که هرگونه ایجاد بحران در آن می‌تواند زمینه را برای سوق‌دادن افراد به سمت خیانت زناشویی و بی‌وفایی زوجی فراهم کند عشق است

(استیلیمان و همکاران، ۲۰۱۹). امروزه افراد و اجتماعات بشری تحت تأثیر فردیت‌گرایی محض، تعریفشان از عشق متفاوت شده و آن را عاملی محدودکننده و مانع تحول قلمداد می‌کنند (فراهانی‌پور<sup>۸۰</sup>، ۱۳۹۱). عشق تا حد زیادی قداست وجودی خود را که با تعهد و فداکاری همراه بوده از دست داده و اغلب افراد، صرفاً آن را نوعی محرک جنسی تلقی می‌کنند که هدف نهایی آن چیزی جز برقراری رابطه جنسی نیست. صنعتی‌شدن جوامع و تمرکز صرف بر زندگی ماشینی، زمینه را برای شکل‌گیری و تثبیت نوعی بی‌احساسی عمیق در افراد فراهم کرده که تمایلشان را به برقراری روابط عاشقانه و پای‌بندی مداوم به آن تا حد زیادی کاهش داده است (می، ۱۹۶۹). از دیدگاه این نظریه‌پرداز، افرادی که دچار بی‌احساسی شده‌اند، عشق‌ورزیدن را بی‌معناترین فعل زندگی قلمداد می‌کنند و رابطه عاشقانه را به تعاملات جنسی موقتاً ارضاکنده محدود می‌کنند. زمانی که افراد نیازی به برقراری روابط عاطفی نمی‌بینند و صرفاً بر ارضای نیازهای جنسی تمرکز دارند، بدیهی است که تعاملاتشان ماهیت جنسی به خود بگیرد و توجهی به برقراری روابط متداوم، متعهدانه و عاشقانه نداشته باشند (چوپانی و همکاران، ۱۳۹۸).

می (۱۹۸۱) بر این باور است که تعبیر نادرست از آزادی و اشتباه گرفتن آن با بی‌بندوباری جنسی - عاطفی، تجربه خیانت و گرایش به روابط فرازناشویی را تسهیل و تسریع می‌بخشد. آزادی حرکت توأم با اختیار در مسیر آرمان‌ها و تصمیمات شخصی است، حرکتی که با تعهد کارکردی و مسئولیت‌پذیری توأم است (هاکیت<sup>۸۱</sup>، ۲۰۱۵؛ یالوم<sup>۸۲</sup>، ۱۹۸۰). آزادی با بی‌بندوباری تفاوت درخور ملاحظه‌ای دارد و از لحاظ ماهیت، هدف و ساختار کاملاً با آن مغایر است. امروزه بسیاری از افراد آزادی را با بی‌بندوباری اشتباه می‌گیرند و محدودیت‌ها، قواعد و اصول اجتماعی را به اسم آزادی زیر پا می‌گذارند (چوپانی و کرمی، ۱۳۹۷). یکی از جنبه‌های بی‌بندوباری، گرایش به خیانت زناشویی و زیرپا گذاشتن تعهدات زوجی است (مالیک، ناواز، میحمود، ریاز و همکاران<sup>۸۳</sup>، ۲۰۱۴). جوامع مختلف به‌ویژه جوامع مدرن، تعریفشان از آزادی تا حد زیادی متفاوت شده، به‌گونه‌ای که خود را مجاز به داشتن روابط متعدد در ابعاد عاطفی و جنسی می‌دانند و وفاداری بین‌فردی را نوعی محدودیت تلقی می‌کنند (می، ۱۹۸۱). چنین نگرش و تعریفی از آزادی، گرایش افراد را به خیانت زناشویی تسهیل می‌کند و به نوعی مجوز چنین تعاملاتی را به آن‌ها می‌دهد.

ادراک معنا و ارزشمندی در خلال رابطه زناشویی، عامل دیگری است که فقدان آن زمینه را برای گرایش افراد به خیانت زناشویی فراهم می‌کند. معنا، حسی عمیقی از خوشایندی و شفاف است که پرداختن به فعلی خاص موجب بروز آن می‌شود و تداوم زندگی را با رضایت همراه می‌سازد (گیورجی و پارک<sup>۸۴</sup>، ۲۰۱۷؛ کریمی‌کااوند<sup>۸۵</sup>، ۱۳۹۷). زوجین برای اینکه تعاملشان با یکدیگر توأم با ثبات و تعهد کافی باشد ضرورت دارد که این تعامل، حسی از معنا و رضایت را در آن‌ها ایجاد کند (مک‌کاری<sup>۸۶</sup>، ۲۰۱۵؛ اسپرین، آپیلانیز و واگنیر<sup>۸۷</sup>، ۲۰۱۸). زمانی که روابط زناشویی فاقد هرگونه معنای وجودی برای طرفین یا یکی از آن‌ها باشد، احتمال بروز نارضایتی‌ها و بی‌ثباتی‌های تعاملی در خلال روابط آن‌ها تا حد زیادی افزایش پیدا می‌کند (گواهی‌جهان<sup>۸۸</sup>، ۱۳۸۹). افزایش نارضایتی زناشویی و نبود تعهد کارکردی نیز، به‌نوبه خود زمینه‌ساز گرایش به خیانت زناشویی می‌شود و تکرار آن را تسهیل می‌بخشد (شاکلفورد، بیسیور و گویتز<sup>۸۹</sup>، ۲۰۰۸). به‌طور کلی نبود معنای زناشویی، موجبات تعارضات و نارضایتی‌های زوجی را فراهم می‌کند و از طریق کاهش تعهد بین‌فردی زوجین، می‌تواند احتمال گرایش آن‌ها را به خیانت زناشویی تسهیل‌بخشد.

تنهایی وجودی و ناتوانی در کنار آمدن با آن نیز می‌تواند پیش‌بینی‌کننده و تسهیل‌گر گرایش افراد به خیانت و روابط فرازنشویی باشد. تنهایی وجودی بخشی از طبیعت فرد است که با تنهایی ارتباطی و گوشه‌گیری تفاوت دارد (ساندستورم، بلومکویست، ایدبرگ و رامگارد<sup>۹۰</sup>، ۲۰۱۹؛ بریتبارت<sup>۹۱</sup>، ۲۰۱۷). در تنهایی وجودی فرد با وجود اینکه با دیگران تعامل دارد ولی در درون احساس تنهایی می‌کند (لارسون، رامگارد و بولمسجو<sup>۹۲</sup>، ۲۰۱۷). زمانی که فرد نتواند با تنهایی وجودی خود کنار بیاید و آن را بپذیرد، بدیهی است که پیوسته به دنبال مقابله با آن باشد (ماح<sup>۹۳</sup>، ۲۰۱۹). یکی از روش‌هایی که افراد برای مقابله با تنهایی وجودی به کار می‌گیرند، برقراری روابط عاطفی - جنسی در قالب اشکال مختلف به‌ویژه ازدواج است (ساندستورم و همکاران، ۲۰۱۸). با این حال ازدواج نیز قادر به ریشه‌کن کردن این شکل از تنهایی نیست. در واقع فرد پس از برقراری رابطه زناشویی متوجه می‌شود که شدت تنهایی وجودی در وی کاسته نشده و همچنان پابرجاست. لذا در بسیاری از اوقات به این نتیجه می‌رسد که دلیل رفع‌نشدن این نوع تنهایی انتخاب نادرست است و چنین نگرشی احتمال گرایش وی را به تجربه خیانت زناشویی افزایش می‌دهد. روابطی که قادر نیست انتظارات وی را برآورده سازد و نقش مؤثری در تسکین تنش ناشی از تنهایی وجودی ندارد (می، ۱۹۶۹).

تجربه خیانت و غرق‌شدن در روابط متزلزل‌کننده زندگی زناشویی، به توجیه‌گرهای ریشه‌ای نیاز دارد که فرد را مهبای پیامدهای مخرب چنین روابطی می‌کند و تجربه آن را برایش تسهیل می‌نماید. گرایش به سمت خیانت به‌ویژه در فرهنگ ایرانی - اسلامی (که همواره چنین روابطی را نپسند می‌کند و پای‌بندی به تعهدات زناشویی را اصل اساسی زندگی قرار می‌دهد) مستلزم وجود تبیین‌کننده‌هایی است که نقش بازدارندگی ارزش‌ها و اصول پیشین را کاهش می‌دهد و فرد را برای برقراری چنین روابطی متقاعد می‌سازد. اگرچه پیشینه‌های پژوهشی طیفی از علل تبیین‌کننده گرایش به این روابط را آشکار ساخته‌اند، با این حال چنین عللی به‌خوبی قادر به تبیین و تسهیل گرایش به این روابط نیست به‌ویژه در فرهنگ ایرانی و افرادی که دارای پای‌بندی‌های اعتقادی و دینی هستند. بایستی بررسی شود که چرا و چگونه افرادی که با طیفی از بازدارنده‌های درونی و بیرونی مواجه هستند مسیر تجربه خیانت را برای خود تسهیل می‌بخشند و خود را متقاعد به برقراری این قسم روابط می‌کنند. این امر مستلزم بررسی و ارزیابی مبانی ریشه‌ای نظیر ارزش‌های افراد، دیدگاهشان نسبت به زندگی، عشق و روابط زناشویی و همچنین تعریفشان از آزادی و سایر مبانی وجودی است. تغییر در این دیدگاه‌های اساسی می‌تواند تسهیل‌گر برقراری چنین روابطی باشد و به دور از شکل‌گیری هرگونه احساس ناخوشایندی نظیر احساس گناه، فرد را متقاعد به زیرپا گذاشتن قواعد زوجی کند.

بررسی‌های پژوهشی، حاکی از این واقعیت است که تحقیقات محدودی که در زمینه خیانت زناشویی انجام شده است بیشتر در قالب روش‌های کمی و ساختاریافته طراحی و اجرایی شده‌اند و تمرکز چندانی بر دنیای پدیدارشناسی و ادراکات منحصربه‌فرد این افراد نداشته است. همچنین بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده، به بررسی افراد خیانت‌کار پس از آشکارشدن روابطی که درگیر آن بوده‌اند پرداخته‌اند. زمانی که این روابط آشکار می‌شود فرد به‌دلیل نگرانی از فروپاشی روابط زناشویی خود، ممکن است از بیان بسیاری از اطلاعات

ضروری به‌ویژه در زمینه علل گرایش به این روابط امتناع کند و بیشتر به بیان اطلاعاتی بپردازد که حفظ روابط زناشویی وی را ممکن سازد و از تخریب بیشتر این قالب ارتباطی پیشگیری کند.

تجارب بالینی و همچنین نتایج اکتشافی و مورد تأکید در بسیاری از منابع نظری و پژوهشی، حاکی از این واقعیت است که تغییرات بنیادینی در ساختارهای ارزشی و همچنین پدیدارهای وجودی افراد درگیر در خیانت زناشویی اتفاق افتاده است. تحولاتی که گرایش آن‌ها را تا حد زیادی به سمت این روابط مخرب تسهیل کرده است. داشتن تجربه خیانت زناشویی در جوامعی که فرهنگ، اخلاق، عرف و ارزش‌های اجتماعی‌شان، بر تعهدمندی زناشویی تأکید دارد و درگیر شدن در خیانت زناشویی را به‌عنوان کرداری قبیح و حتی غیرانسانی مورد تأکید قرار می‌دهد؛ صرفاً از طریق تمرکز بر عوامل سطحی درون‌فردی، بین‌فردی و محیطی قابل تبیین نیست و تبیین آن به متغیرهای جامع و ریشه‌ای‌تری در ابعاد وجودی نیاز دارد. ضرورت دارد که با تمرکز بر دنیای درونی این افراد، پدیدارهای وجودی آن‌ها مورد واکاوی قرار گیرد. زیرا صرفاً تغییر در پدیدارهای وجودی است که می‌تواند این گروه را متقاعد کند تا بدون تجربه احساس شرم یا گناه به‌عنوان عواملی بازدارنده، درگیر روابط فرازناشویی شوند. در واقع بایستی دقیقاً موشکافی شود که چه عواملی درگیر شدن در روابط فرازناشویی و خیانت به همسر را برای این افراد توجیه‌پذیر می‌کند تا بتوان با تمرکز بر اصلاح آن، زمینه را برای کاهش این آسیب خانوادگی - اجتماعی در سطح جامعه فراهم کرد.

لذا این پژوهش بر این است تا با بهره‌گیری از روش کیفی و در قالب مصاحبه‌هایی نیمه‌ساختاریافته، تعامل بحران‌های وجودی و خیانت زناشویی را در این افراد آشکار سازد. فرایندی که ضمن افزایش دانش و اطلاعات در مورد تبیین چرایی و چگونگی گرایش به این روابط، تغییرات ایجاد شده در ماهیت‌های وجودی را - که تسهیل‌گر برقراری این روابط هستند - آشکار می‌سازد و بدین‌شکل تا حد زیادی اطلاعات و بینش کافی جهت تدوین برنامه‌های پیشگیرانه و درمانی در این حوزه را فراهم می‌کند.

## روش و طرح پژوهش

مطالعه حاضر به روش کیفی<sup>۹۴</sup> و با استفاده از طرح پدیدارشناسی تفسیری<sup>۹۵</sup> انجام شد. پدیدارشناسی تفسیری یکی از رایج‌ترین طرح‌های کیفی است که با هدف شناسایی عمق تجارب انسانی درباره واقعیت‌های مورد بررسی شکل‌گرفته و گسترش یافته است. غایت اصلی این طرح تحقیقی تمرکز بر دنیای درونی و پدیدارشناختی افراد جهت کشف واقعیت مورد بررسی از دیدگاه آن‌ها است (گال، بورگ و گال<sup>۹۶</sup>، ۲۰۱۵). در طی این طرح تحقیقی، پژوهشگر از طریق تمرکز بر بیانات آشکار و پنهان افراد مورد مصاحبه، سعی بر روشن‌سازی تجارب مورد بررسی دارد. ضرورت اساسی برای کاربرد این طرح آن است که آیا پدیده‌ای که پژوهشگر قصد بررسی آن را دارد نیاز به تشریح و روشن‌سازی دارد یا خیر؟

## جمعیت مشارکت‌کننده، نمونه و روش نمونه‌گیری

جمعیت مشارکت‌کننده در این پژوهش شامل تمامی مردان درگیر در خیانت زناشویی در سال ۱۳۹۸ در شهرستان شاهین‌دژ بود. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند<sup>۹۷</sup> بود. تعداد نمونه نیز با تکیه بر قاعده اشباع تعیین شد. فرایند مصاحبه تا زمانی ادامه پیدا کرد که اطلاعات اکتسابی اشباع شدند. اشباع

اطلاعات در این پژوهش در پانزدهمین مصاحبه اتفاق افتاد و پژوهشگر برای اطمینان از اشباع، سه مصاحبه دیگر انجام داد که آن‌ها نیز حاکی از اشباع اطلاعاتی و عدم‌اکتشاف داده‌های جدید بودند. در پژوهش حاضر براساس هدف مطالعه و جهت دستیابی به غنی‌ترین میزان اطلاعات، مردان مشارکت‌کننده از مناطق، سنین، تحصیلات و مشاغل مختلف انتخاب شدند.

معیارهای ورود مردان خیانت به این پژوهش عبارت بودند از: درحال تجربه خیانت زناشویی، پنهان بودن خیانت و ناآگاهی همسر از آن، تمایل به مشارکت در مصاحبه، برخورداری از سلامت روانی (تشخیص توسط پژوهشگر در خلال گفت‌وگوی مشاوره‌ای و مصاحبه‌های بالینی)، حداقل تحصیلات سیکل و مشارکت نکردن هم‌زمان در یک برنامه آموزشی یا درمانی دیگر. معیارهای خروج از پژوهش نیز عبارت بودند از: پنهان‌کاری و همراهی نکردن با مصاحبه‌گر، مشارکت نکردن در جلسات بعدی مصاحبه (زیرا جلسات مصاحبه با برخی از مصاحبه‌شوندگان بیش از دو جلسه به طول انجامید) و همچنین عدم مطالعه یافته‌های اکتشافی جهت اطمینان پژوهشگر از صحت آن‌ها پس از استخراج.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان.

ردیف	سن	شغل	تحصیلات	نوع خیانت	طول ازدواج (به سال)	طول خیانت (به سال)	فراوانی (تعداد افرادی که با آن‌ها رابطه داشته‌اند)
۱	۳۱	آزاد	دیپلم	جنسی - عاطفی	۶	۳	۲
۲	۲۹	آزاد	کارشناسی	جنسی	۴	۱	۲
۳	۳۶	آزاد	دیپلم	جنسی - عاطفی	۹	۳	۴
۴	۳۴	کارمند دولتی	کارشناسی ارشد	جنسی - عاطفی	۷	۱	۱
۵	۳۳	آزاد	دیپلم	جنسی	۵	۲	۱
۶	۳۷	کارمند دولتی	کارشناسی	جنسی	۶	۲	۱
۷	۴۱	آزاد	کارشناسی	جنسی - عاطفی	۸	۳	۳
۸	۳۸	آزاد	دیپلم	جنسی - عاطفی	۷	۲	۲
۹	۳۲	آزاد	کارشناسی	جنسی	۷	۱	۳
۱۰	۳۳	کارمند دولتی	کارشناسی ارشد	جنسی - عاطفی	۸	۲	۲
۱۱	۳۱	آزاد	دیپلم	جنسی	۶	۱	۳
۱۲	۴۰	کارمند دولتی	کارشناسی ارشد	جنسی - عاطفی	۱۲	۲	۲
۱۳	۲۸	آزاد	کارشناسی	جنسی	۴	۲	۲
۱۴	۳۳	کارمند دولتی	دکتری	جنسی	۶	۳	۳
۱۵	۳۵	آزاد	کارشناسی	جنسی - عاطفی	۷	۱	۱
۱۶	۳۶	کارمند دولتی	کارشناسی	جنسی - عاطفی	۷	۱	۲
۱۷	۳۹	آزاد	کارشناسی ارشد	جنسی	۸	۲	۳
۱۸	۳۷	آزاد	دکتری	جنسی - عاطفی	۶	۱	۱

جدول فوق حاکی از آن است که ۱۸ نفر در فرایند مصاحبه مشارکت داشتند که همگی مرد بودند. میانگین سنی آن‌ها ۳۴/۶ سال بود. ۱۲ نفر از آن‌ها شغل آزاد داشتند و ۶ نفر نیز کارمند سازمان‌های دولتی



بودند. ۵ نفر مدرک تحصیلی دیپلم، ۷ نفر کارشناسی، ۴ نفر کارشناسی ارشد و ۲ نفر دکتری بودند. نوع خیانت ۸ نفر از مشارکت‌کنندگان صرفاً جنسی و نوع خیانت مابقی مشارکت‌کنندگان جنسی - عاطفی بود. فراوانی تعداد افرادی که مشارکت‌کنندگان با آن‌ها رابطه فرازناشویی داشتند حداقل ۱ نفر و حداکثر ۴ نفر بود. میانگین طول ازدواج مشارکت‌کنندگان ۶/۸ سال و میانگین طول خیانت زناشویی آن‌ها نیز ۱/۸ سال بود.

### ابزار پژوهش و شیوه گردآوری داده‌ها

در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته<sup>۹۸</sup> و عمیق استفاده شد. در طی این روش پژوهشگر به مرور پیشینه نظری و تجربی روابط زناشویی، فرازناشویی و همچنین مبانی وجودی در حوزه زوج‌پرداخت. سپس با تکیه بر اطلاعات و مبانی برداشتی، سؤالات کلی را جهت شروع فرایند مصاحبه با مشارکت‌کنندگان طراحی کرد و برای ارزیابی کیفیت و اعتبار این سؤالات، آن‌ها را در اختیار اساتید راهنما و مشاور قرار داد و اصلاحات و نظرات آن‌ها را در دقیق‌تر کردن سؤالات مصاحبه دخالت داد. فرایند مصاحبه با سؤالاتی کلی در مورد رابطه زناشویی و ابعاد آن نظیر «رابطه شما با همسرتان چگونه است؟»، «دیدگاه شما در مورد وفاداری زناشویی چیست؟»، «تعهدات زناشویی چه معنایی برای شما دارند؟»، «تفاوت رابطه زناشویی با سایر انواع روابط زوجی چیست؟»، «رابطه فرازناشویی چه مزیت‌هایی دارد که زندگی زناشویی فاقد آن است؟» آغاز شد و در ادامه از سؤالات اکتشافی نظیر «بیشتر می‌توانید توضیح بدهید؟» جهت کسب اطلاعات جامع‌تر و روشن‌تر شدن اطلاعات داده‌شده استفاده شد. پس از عبور از سؤالات مربوط به روابط زناشویی و فرازناشویی، پژوهشگر به صورت اختصاصی بر ماهیت‌های وجودی (آزادی، معنا، عشق، ارزش‌ها، تنهایی و اضطراب) متمرکز شد و ضمن واکاوی دیدگاه مصاحبه‌شوندگان درباره این ابعاد و همچنین روشن‌سازی چگونگی مواجهه این گروه با این هسته‌های وجودی با استفاده از سؤال‌هایی نظیر «دیدگاه شما نسبت به آزادی چیست؟» «آزادی در رابطه زناشویی چه معنایی دارد؟»، «حد و حدود رابطه زناشویی چیست و تا چه اندازه فرد در این رابطه آزاد است؟»، «عشق از دیدگاه شما چیست؟»، «آیا عشق و تحقق آن واقعیت است یا افسانه؟»، «عشق را در رابطه زناشویی تجربه کرده‌اید؟ چگونه؟» و...، تعامل این بحران‌ها را با رابطه زناشویی و همچنین خیانت در حال انجام واکاوی کرد.

تعداد ۱۸ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با مردان خیانت انجام شد که مدت‌زمان هر یک مصاحبه‌ها از ۶۰ تا ۱۲۰ دقیقه در نوسان بود مصاحبه‌هایی که زمان و محل آن را از قبل فرد پژوهشگر با توافق مشارکت‌کننده مشخص می‌کرد. برخی از مصاحبه‌ها برای دستیابی به اطلاعات جامع‌تر و تکمیل اطلاعات دریافتی، بیشتر از یک جلسه ادامه یافت. داده‌ها در طول یک دوره ۱۲ ماهه جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری و در قالب زیرمضمون و مضمون اصلی طبقه‌بندی شد. تمامی مصاحبه‌های انجام‌شده با استفاده از دستگاه‌های صوتی ضبط شدند و پس از یادداشت‌برداری و ثبت نوشتاری آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. این تحقیق، استخراجی از رساله دکتری رشته مشاوره دانشگاه اصفهان است و شناسه اخلاق به شماره IR.UI.REC.1399.113 از کمیته اخلاقی دانشگاه اصفهان را دارد. برای رعایت موازین اخلاقی پژوهش و حفظ حق و حقوق مشارکت‌کنندگان، پژوهشگر بعد از اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان و توضیح اهداف پژوهش، به آن‌ها اطمینان داد که مطالب مصاحبه‌شده کاملاً محرمانه و بدون نام‌بردن از افراد ثبت خواهد شد و امانت‌داری در

متن مصاحبه رعایت می‌شود. همچنین گفت‌وگوی ضبط‌شده پس از اتمام تحلیل و نگارش کامل مقاله و چاپ آن پاک خواهد شد و به آزادی افراد در خروج یا ادامه ندادن همکاری شرکت‌کنندگان نیز تأکید شد.

### شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده حاصل از مصاحبه، از روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری دیکلمن، آلن و تانر<sup>۹۹</sup> (۱۹۸۹) استفاده شد. در این شیوه پژوهشگر تلاش دارد تا مضامین همسو با هدف پژوهش را استخراج و اکتشاف کند. مضامین نمایه‌های کلی هستند که معنای ذهنی مصاحبه‌شونده را نسبت به سوژه مورد بررسی آشکار می‌سازند (گال و همکاران، ۲۰۱۵). در طی این روش ابتدا مصاحبه‌های ضبط‌شده، ثبت نوشتاری شدند و بر روی برگه‌های دستی پیاده‌سازی شدند. پس از پیاده‌سازی، فرد پژوهشگر بارها و بارها این عینیات را مورد مطالعه قرار داد تا بینشی کلی نسبت به درونیات آن حاصل کند. سپس در ادامه با تکیه بر برداشت‌های صورت‌گرفته، خلاصه‌های تفسیری از هر مصاحبه و سؤال پرسیده شده برداشته شد و تلاش برای اکتشاف معنای نهفته در آن به عمل آمد. در ادامه پژوهشگر از سایر متخصصان حوزه تحلیل نیز جهت استخراج جامع‌تر مضامین و معانی، کمک گرفت و با آن‌ها به مشارکت و تبادل نظر پرداخت. با ادامه فرایند مصاحبه با مشارکت‌کنندگان و همچنین تجزیه و تحلیل آن‌ها، مضامین استخراجی روشن‌تر و جامع‌تر و بعضاً در مضامین قبلی تجمیع و ترکیب می‌شدند. برای روشن‌سازی، مقوله‌بندی و رفع تناقض‌های موجود در تفسیر، فرآیند بازگشت دوباره به متون صورت می‌گرفت و در هر مرحله با ادغام خلاصه‌های تفسیری، تحلیل کلی‌تری انجام می‌شد تا در نهایت ارتباط بین تفاسیر و مضامین، برای رسیدن به نتیجه نهایی به بهترین نحو ممکن صورت گرفت. مضمون‌بندی داده‌ها با تکیه بر اطلاعات جمع‌آوری شده، انجام دقیق فرایند کدگذاری و اجرای فرایند مقایسه و ادغام داده‌ها صورت گرفت. پس از استخراج، کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها، مضامین مشترک و مرتبط با هم، در قالب زیرمضامین و در نهایت مضامین اصلی ترکیب و مضامین غیرمرتبط حذف شدند. همچنین برای بررسی ارتباط بین مقوله‌ها و یکپارچه‌کردن آن‌ها، از تلفیق تفکر قیاسی و استقرایی بهره گرفته شد و حرکت مداوم بین مفاهیم صورت گرفت و با تأثیرپذیری از مبانی وجودی رویکرد می (۱۹۶۷)، زیرمضامین و مضامین نام‌گذاری نهایی شدند.

### شیوه اعتباریابی داده‌ها

برای واکاوی اعتبار و پایایی یافته‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه، از فرایند اعتباریابی گوبا و لینکولن<sup>۱۰۰</sup> (۱۹۸۹) استفاده شد. جهت تأمین اعتبار و صحت داده‌های به‌دست‌آمده تحلیل‌گر تلاش کرد بیانات و اعتقادات مصاحبه‌شوندگان را مبنای فرایند تحلیل قرار دهد و تا حد ممکن از دخالت دادن دیدگاه‌ها و نگرش‌های خود در فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها اجتناب کند و یا صرفاً برای تکمیل تحلیل‌های صورت‌گرفته از آن بهره بگیرد. برای افزایش سطح باورپذیری داده‌های جمع‌آوری‌شده، پژوهشگر رابطه‌ای نزدیک و صمیمانه با مصاحبه‌شوندگان برقرار کرد و پس از کسب اعتماد آن‌ها، به بهترین شکل ممکن به جمع‌آوری اطلاعات از آن‌ها پرداخت و بدین‌شکل احتمال پنهان‌کاری و یا ارائه اطلاعات ناقص را تا حد زیادی

کاهش داد. از سوی دیگر برای افزایش سطح باورپذیری یافته‌ها علاوه بر مورد فوق، پژوهشگر مهارت مصاحبه‌ای خویش را قبل از شروع مصاحبه تا حد زیادی از طریق تمرین و تکرار و تسلط کامل بر سؤالات مصاحبه، بهبود بخشید و بدین‌شکل نیز تا حد زیادی اعتبار درونی مطالب جمع‌آوری‌شده و غنای اطلاعات کسب‌شده را بهبود بخشید.

برای افزایش میزان اطمینان‌پذیری داده‌های به‌دست‌آمده، پژوهشگر از هنگامی که مصاحبه را شروع کرد تا آخرین مرحله تجزیه و تحلیل، علاوه بر همراهی استاد راهنما (استاد رشته مشاوره دانشگاه اصفهان) از همراهی و نظارت یک متخصص در تحلیل کیفی (دکتری رشته مشاوره دانشگاه شهید چمران) استفاده کرد و با تکیه بر تسلط و تخصص آن‌ها، ثبات فرایند کدگذاری و یافته‌های به‌دست‌آمده را تا حد زیادی افزایش داد. در نهایت اینکه پژوهشگر برای تأمین اصل تأییدپذیری یافته‌های جمع‌آوری‌شده، اطلاعات اکتشافی از هر مصاحبه را در اختیار خود مصاحبه‌شونده قرار داد و پس از نظرخواهی از وی در مورد صحت و سقم اطلاعات، تغییرات لازم را اعمال نمود.

## یافته‌ها

تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان (مردان خیانت) در زمینه‌ی بحران‌های وجودی تأثیرگذار در گرایش آن‌ها به سمت خیانت زناشویی، منجر به آشکارشدن ۷۹ واحد معنایی اولیه، ۲۲ واحد معنایی نهایی، ۶ زیرمضمون و ۱ مضمون اصلی شد. در ادامه مضمون اصلی بازشده و زیرمضامین و کدهای اولیه آن‌ها با تکیه بر نقل‌قول‌های ابرازی، مستندسازی می‌شود.

جدول ۲: بحران‌های وجودی مردان خیانت‌کار چیست؟

مضمون اصلی	زیرمضامین	واحدهای معنایی نهایی	واحدهای معنایی اولیه
از خودبیگانگی وجودی.	درنگ‌گریزی	* فراغت‌گریزی * غرق‌شدن در روزمرگی * هراس از سکوت * هراس از وقفه	خودداری از خلوت با خویشتن، خودداری از محیط‌های به تعمق وادارنده، خودداری از افراد مواجبه‌گر یا سرزنش‌گر، پرکردن اوقات بیکاری، برنامه‌ریزی سخت و فشرده، فعالیت شغلی فرسوده‌کننده، مشغولیت همیشگی، دوری از تعمق، تصمیم‌گیری لحظه‌ای، هیجان‌محوری و تکانشی عمل کردن
	سرنوشت‌ناپذیری و محدودیت‌گریزی	* حصار انگاشتن وفاداری * جبر تلقی‌کردن حدود زناشویی * تعهدهراسی * مسئولیت‌گریزی	نگرش منفی نسبت به وفاداری و وفاداربودن، محدودیت تلقی‌کردن وفاداری، نقطه ضعف دانستن وفاداری، انحصار رابطه عاطفی با همسر، انحصار آزادی، انحصار رابطه جنسی با همسر، انحصار آزادی، انحصار نقطه مقابل آزادی، بی‌تفاوتی نسبت به مرزهای زناشویی، دوری از هرگونه مرز ارتباطی و تعهد، مغایر با آزادی، حد و مرز، مغایر با آزادی و اولویت آزادی بر حد و مرزها
	جدال و کشمکش با تنهایی وجودی	* احساس گم‌گشتگی و سرگردانی * احساس رهاشدگی * خودفریبی و دیگرفریبی مکارانه * جست‌وجوی وسواسی عشق معجزه‌گر.	دلهره شدید از بودن در این جهان، تعبیر خویشتن به غریبه‌ای تنها در جهان، تاکید بر نداشتن نقطه اشتراک با هیچ کس دیگر در این جهان، احساس غم‌افزای جدا بودن از دیگران و تلاش برای پیوند، هراس از منحصربه‌فرد دیدن خویشتن، ادراک بی‌توجهی با وجود دریافت توجه، احساس بی‌اهمیتی باوجود دریافت اهمیت، احساس درک‌نشده‌گی با وجود دریافت بازخوردهای ادراکی،

ادامه جدول ۲

		<p>احساس بی‌کسی با وجود داشتن روابط گوناگون، فراموشی موقت تنهایی با برقراری رابطه نو، تلاش برای رهایی از احساس رهاشدگی با فریفتن دیگران، گمشده خویشتن در درون دیگران جستن، دیگران را مکارانه شیفته خود کردن، چشم‌پوشی از تأثیر نداشتن روابط متعدد در کاهش احساس تنهایی، مشغول کردن خود به هیجان‌های فریفتن دیگران، گریز از مواجهه با پوچی روابط از طریق درگیر کردن خویش در رابطه‌ای دیگر، تلاش برای یافتن رابطه‌ای تسکین‌دهنده، تلاش برای یافتن رابطه‌ای رهاکننده از احساس تنهایی و امید واهی به رهایی از تنهایی درونی با تکیه بر روابط متعدد</p>
<p>عشق توخالی و میل‌محور</p>	<p>* بی‌احساسی * دروغگویی و بازیگری عاطفی * هرزگی یا بی بند و باری جنسی * تعاملات ماشینی و جهان‌بینی شیء‌محور</p>	<p>بی‌معنا دانستن عشق، یکی دانستن عشق و شهوت، ناتوانی در ادراک عشق مقدس، تکیه بر لفاظی جهت جذب دیگران، ابراز عشق تصنعی و مغرضانه، غوطه‌وری در دیگری جهت تسکین امیال شخصی، رابطه جنسی متعدد را حق خود دانستن، شجاعت تلقی کردن داشتن روابط عاطفی جنسی متعدد، بی‌ارزش تلقی کردن انحصاری بودن رابطه عاطفی _ جنسی با همسر، منفعت‌طلبی جنسی در روابط، اولویت دادن میل بر عشق در روابط و حذف روابط بی‌فایده با وجود دل‌بستگی ایجادشده</p>
<p>استحاله ارزشی یا استحاله مرضی ارزش‌ها</p>	<p>* حصارانگاری سنن * فردیت‌محوری محض * گریز از معمولی‌بودن</p>	<p>نهی هرگونه قاعده پیشین، محدودکننده تلقی کردن سنت‌ها، سنت‌ها، معایر با آزادی، تأکید بر شجاعت درهم‌شکستن سنت‌های محدودگر، تأکید بر ایفای نقش فردی در تعیین سنن و ارزش‌ها، نارضایتی از نداشتن نقش در تعیین اصول ارزشی به‌ویژه در حوزه ازدواج، اجبار تلقی کردن اصول ازدواج، آزاد دانستن خویشتن در برقراری رابطه عاطفی خارج از ازدواج، آزاد دانستن خویشتن در برقراری رابطه جنسی خارج از ازدواج، عقب‌مانده تلقی کردن پیروان اصول و قواعد زندگی زناشویی، مانع پیشرفت دانستن پای‌بندی به سنن، تعبیر پای‌بندی به انحصار رابطه عاطفی به‌عنوان حماقت و ترس، تعبیر پای‌بندی به انحصار رابطه جنسی به‌عنوان حماقت و ترس و تعبیر زیر پا گذاشتن سنت‌ها به‌عنوان جسارت مدرن شدن</p>
<p>پوچی‌گریزی</p>	<p>* عشق جویی غیرارزشی و مرضی. * غرقگی در معانی میل‌محور. * غوطه‌وری در روزمرگی.</p>	<p>فریب دیگران و احساس هویت‌مندی در حضور آن‌ها، لذت از شیفته‌کردن دیگران به خود، لذت از بهره‌برداری جنسی از دیگران و احساس مهم‌بودن در طول آن، ابراز عشق تصنعی و هوس‌محور، هوس‌رانی را عشق‌ورزی تلقی کردن، احساس بودن و ارزشمندی در خلال روابط هوسرانه (روابطی که فرد آن را عشق‌ورزی تلقی می‌کند)، پرکردن اوقات بیکاری، برنامه‌ریزی سخت و فشرده، فعالیت شغلی فرسوده‌کننده، مشغولیت همیشگی، گریز از هرگونه درنگ و مواجهه با ماهیت زندگی خود</p>

مضمون اصلی و محوری: از خودبیگانگی وجودی

از خودبیگانگی وجودی مضمون اصلی بود که با تحلیل بیش از ۱۸ نفر از مردان خیانت‌کار در طی جلسات مصاحبه‌ای که برای برخی از آن‌ها بیش از سه جلسه تداوم داشت؛ کشف شد. این گروه با تمامی ماهیت‌ها و

استعدادهای وجودی خود بیگانه بودند. بیگانگی عمیقی نسبت به عشق اصیل داشتند و همچنین در روابط گذرا و میل محور غرق بودند، با آزادی اصیل بیگانه بوده و آن را با بی بند و باری اشتباه گرفته بودند. مردان خیانت کار نسبت به ارزش های اصیل و وجودی بی تفاوت هستند و یا ارزش هایی غیراصیل را جایگزین آن کرده اند، تمایلی به تفکر و تعمق ندارند و با غرق کردن خود در روزمرگی سعی در گریز از واقعیت های وجودی دارند، از بودن و وجود خود ناراضی هستند و متأثر از پوچی عمیق، سعی در یافتن معانی ارزشی دارند، معانی ای که بیشتر اوقات میل محور است و ارزش اصیل ندارد. از خودبیگانگی وجودی توصیف هستی شناسانه دقیقی از وضعیت مردان خیانت است. مردانی که غرق در بی بندوباری هستند، ارزش های زندگی را رها کرده اند، عشق را بی ارزش و محدودکننده تلقی می کنند و نه تنها از بودن خود ناراضی هستند، بلکه احساس عمیق پوچی نیز آن ها را می آزارد. از دیدگاه این گروه درگیر شدن در این روابط می تواند عشق نداشته را به آن ها هدیه کند، احساس معنا را در وجودشان بیدار کند، تنهایی وجودی را در آن ها ریشه کن کند و احساس سازندگی و خلاقیت را در آن ها تقویت کند. به طور کلی از خودبیگانگی وجودی به عنوان مضمون محوری حاصل از تحلیل گفته های مصاحبه شونده گان، دربرگیرنده شش زیرمضمون کارکردی شامل «درنگ گریزی، سرنوشت ناپذیری و محدودیت گریزی، جدال و کشمکش با تنهایی وجودی، عشق توخالی و میل محور، استحاله ارزشی یا استحاله مرضی ارزش ها و پوچی گریزی» است که توام با ریزکدهای آن ها در بخش هایی مجزا به صورت جامع و با تکیه بر نقل قول های جامع، مورد تبیین و تفسیر مستند قرار می گیرد.

## الف) درنگ گریزی

درنگ گریزی اولین بحران وجودی مردان خیانت کار است که توام با چهار بُعد آن (فراغت گریزی، غرق شدن در روزمرگی، هراس از سکوت و هراس از وقفه) در جریان تحلیل گفته های مصاحبه شونده گان مورد شناسایی قرار گرفت. مردان خیانت کار افرادی درنگ گریز بودند، تمایلی به تعقل درباره کردهای خویش مخصوصاً روابط فرازناشویی نداشتند، از مواجهه با آن افراد یا موقعیت هایی اجتناب می کردند که به نحوی آن ها را از رابطه ای که ایجاد کرده اند و همچنین تعهد زناشویی که فراموش کرده اند آگاه می کرد. آن ها همچنین با غرق کردن خویش در فعالیت ها و برنامه های مختلف، فرصت اندیشیدن به خیانت زناشویی را از خود سلب می کردند.

مشارکت کننده شماره ۲ بیان کرد:

«من بیشتر اوقات رو توی مغازه موتورسازی کار می کنم و تعمیرات موتور انجام می دم. حتی روزای جمعه هم سعی می کنم بیام مغازه. خیلی دوست ندارم بیکار بشینم و فکر کنم. یه کار دیگه ای هم که خیلی مشغولش هستم ارتباط با دوستان غیرهم جنسمه. هروقت کار نداشته باشم و مشتری نباشه توی مغازه سعی می کنم با یکی شون ارتباط بگیرم. بعد ارتباط هم سریع برمی گردم سر کار.»

مشارکت کننده شماره ۱ بیان کرد:

«این زندگی هیچ هیچه. چشم باز می کنی زیر خاکی. ببخشید ولی من نظرم اینه تا میشه باید لذت هایی که هستن رو ببری. حدود سه ماه به خاطر یه مشکلی توی خونه بودم خیلی اذیت شدم کلاً افسرده شدم. همهش برای فکر کردن و غم و غصه خوردن بود. صدتا دارو خوردم خوب نشدم. همین که اومدم دوباره توی

اجتماع و به انجام کارهای مختلف پرداختم حالم اوامد سرجاش. هرکاری که مشغولت کنه خوبه. حتی رابطه فرازناشویی یا به قول شما خیانت. خیانت بد نیست، حداقلش اینه که برای چندساعتی از غرق شدن توی خودت دورت می‌کنه.»

مشارکت‌کننده شماره ۴ بیان کرد:

«انسان اگر کار نداشته باشه به سمت جنون می‌ره. کار خیلی خوبه. حالا هرکاری باشه فرق نداره. وقتی کار نداشته باشی انگار به پرواز درمیایی و فکرت هرجا دلش بخواد سفر می‌کنه. سفرکردن آدم رو مجبور به اصلاح می‌کنه. من سه ساله با هم‌کلاسی دوره کارشناسی‌م ارتباط دارم. فقط ارتباط گرفتم و به این فکر نکردم کار بدیه یا خوب. من باورم اینه که خوب و بدیش مهم نیست. مهم اینه که ساعات روزت رو می‌گذرونی باهاش.»

### ب) سرنوشت‌ناپذیری و محدودیت‌گریزی

سرنوشت‌ناپذیری توام با چهار بُعد آن (حصارانگاشتن وفاداری، جبرتلقی‌کردن حدود زناشویی، تعهدهراسی و مسئولیت‌گریزی) بحران وجودی دیگری بود که تحلیل گفته‌های مصاحبه‌شوندگان منجر به اکتشاف آن شد. این گروه از افراد زندگی زناشویی متعالی و مطلوب را آن زندگی‌ای می‌دانستند که فارغ از تعهدات دست‌وپاگیر نظیر انحصاری‌بودن رابطه عاطفی \_ جنسی باشد. مردان مصاحبه‌شونده بر این باور تأکید داشتند که محدودکردن رابطه جنسی و یا حتی عاطفی به همسر قانونی \_ شرعی، نوعی سلب آزادی و محدودیت است که فرصت کسب لذت و داشتن زندگی خوشایند را از آن‌ها سلب می‌کند. این گروه از افراد نه‌تنها هرگونه تعهد زناشویی را نوعی محدودیت تلقی می‌کردند، بلکه تا حد زیادی از تعهدات زناشویی هراسان نیز بودند و متأثر از چنین هراسی و همچنین دیدگاهی منفی‌شان به آن، از پذیرش مسئولیت در این زمینه خودداری می‌کردند.

مشارکت‌کننده شماره ۳ بیان کرد:

«من اصلاً این اصل رو که همه‌ش در اختیار همسر باشی قبول ندارم. این کار مثل این می‌مونه که یکی رو بندازی توی زندان و نذاری هیچ کاری بکنه. به نظرم رابطه باید گسترش‌یافته‌تر از اونی باشه که شما فکر می‌کنید. با هرکسی، هرجایی و هرزمانی که دوست داشته باشی می‌تونی ارتباط داشته باشی.»

مشارکت‌کننده شماره ۱۲ بیان کرد:

«ازدواج همش و همه‌جاش دست و پاگیره. آزادی رو از انسان می‌گیره. من حاضر نیستم قواعد زوری‌ش رو بپذیرم. چرا باید روی تصورات و خواسته‌ها و امیالم پا بذارم و چشم‌پوشم؟ من الان هم با زخم هستم و هم هرکس دیگری که بهم جواب بده رو رد نمی‌کنم. نظرم اینه که نباید به جبر زندگی زناشویی روی خوش نشون داد.»

مشارکت‌کننده شماره ۹ بیان کرد:

«تعاریف الان از زندگی زناشویی رو قبول ندارم. به نظرم زن و مرد حتی بعد ازدواج می‌تونن با هرکی که دوست داشته باشن رابطه برقرار کنن. این یعنی آزادی. اگر این‌طوری نباشه، از زندگی و ارتباط تکراری خسته

می‌شی و بعد مدتی از هم دل‌زده می‌شید. نباید تن به این اصول دست‌وپاگیر داد. باید جسارت داشت و بر ضدشون تاخت.»

### پ) جدال و کشمکش با تنهایی وجودی

جدال و کشمکش با تنهایی وجودی یکی دیگر از رایج‌ترین بحران‌ها و نگرانی‌های وجودی مردان خیانت‌کار، توام با چهار بُعد آن (احساس گم‌گشتگی، احساس رهاشدگی، خودفریبی و دیگرفریبی مکارانه و جست‌وجوی وسواسی عشق) در جریان تحلیل گفته‌های مصاحبه‌شوندگان مورد شناسایی قرار گرفت. تنهایی وجودی سراسر وجود مردان خیانت‌کار را فراگرفته بود. این گروه به شدت احساس گم‌گشتگی و رهاشدگی می‌کردند. بر این باور بودند که زندگی زناشویی قادر به رهانیدن آن‌ها از این حس غریب تنهایی نیست و می‌بایست در پی روابطی دیگر باشند تا بتوانند از شدت تنش ناشی از تنهایی که ادراک می‌کنند بکاهند. با اینکه بارها خیانت زناشویی را تجربه کرده بودند و با تأثیر نداشتن این روابط در ریشه‌کن کردن تنهایی وجودی مواجه شده بودند، ولی باز با فریب خویشتن و دادن امید واهی به خود، دیگران را فریب داده و حداقل برای مدتی کوتاه با بودن کنار آن‌ها احساس آرامش می‌کردند.

مشارکت‌کننده شماره ۳ بیان کرد:

«یه حسی که خیلی آزارم می‌ده و همیشه باهام هست اینه که فک می‌کنم به چیزی گم کردم. مثل یه آدمی که شب می‌خوابه و چشم باز می‌کنه توی یه منطقه غریب بیدار شده. گریه دیدید وقتی به یه جای جدید می‌بری ش چقدر سردرگمه؟ من هم این‌طوری هستم همه‌ش فکر می‌کنم ول شدم، همه‌ش فکر می‌کنم یه چیزی کمه. همه‌ش فکر می‌کنم تنهای تنها مثل یه چیز بی‌ارزش توی یه سرزمین دورافتاده رها شدم.»

مشارکت‌کننده شماره ۲ بیان کرد:

«عشق وجود نداره به نظرم. چندساله با صدنفر رابطه داشتم. همه‌ش فکر می‌کردم این یکی دیگه همونیه که دلم می‌خواد. یه مدت خوب بود ولی بعد مدتی می‌فهمم که نه بابا این هم معشوق واقعی من نیست! عشق یه دروغه، من سال‌های عمرم رو الکی صرفش کردم و الان هم که با شما صحبت می‌کنم باز دنبالش.»

مشارکت‌کننده شماره ۱۰ بیان کرد:

«یه رفیق دارم بهم می‌گه تو یه گرگ گرسنه هستی. من هرکی بیاد بررسی‌ش می‌کنم و سعی می‌کنم باهاش ارتباط بگیرم. ببینید فکر نکنید من یه آدم هرزه هستم و از کسایی که فریب می‌دم سوءاستفاده می‌کنم. نه به‌خدا من دست به‌شون نمی‌زنم، فقط باهاشون ارتباط می‌گیرم. مثل یه گرگ به قول دوستم دنبال طعمه‌ای هستم که یه حس خاص بهم بده که با حس‌های دیگه فرق داره.»

### ت) عشق توخالی و میل‌محور

عشق توخالی و میل‌محور، توام با چهار بُعد آن (بی‌احساسی، دروغ‌گویی و بازیگری عاطفی، هرزگی یا بی‌بند و باری جنسی، تعاملات ماشینی و جهان‌بینی شیء‌محور) بحران وجودی دیگری بود که مصاحبه‌شوندگان در طی گفته‌های خود به آن اشاره داشتند. مصاحبه‌شوندگان یا هرگونه عشق را بی‌معنا می‌دانستند و یا اینکه عشق را با بی‌بندوباری و روابط گذرا اشتباه گرفته بودند. این افراد تأکید داشتند که عشق محدود به زندگی

زناشویی نیست؛ بلکه می‌تواند در قالب روابطی دیگر نیز تجربه شود. چنین باوری آن‌ها را به سمت روابط ماشینی و شیء‌محور سوق داده بود که تنها کارکرد آن ارضای نیازهای جنسی بود و بس. مشارکت‌کننده شماره ۸ بیان کرد:

«خب همسرم بفهمه هم چه اتفاقی می‌افته مگه؟! هیچی نمی‌شه. دلم یه کاری رو خواسته انجامش دادم. هروقت هم بخوام ادامه‌ش نمی‌دم. شما خیلی خاص داری به این مسئله نگاه می‌کنی. فکر می‌کنی من مشکلم ولی به نظرم افرادی مثل شما و دیدگاهی مثل دیدگاه شما مشکله.»  
مشارکت‌کننده شماره ۱۵ بیان کرد:

«من چندین ساله مشغول این رابطه‌ها هستم همسرم هم نفهمیده؛ واسه اینه که من رابطه رو خیلی طولانی نمی‌کنم. یه ارتباط می‌گیرم و بعد مدتی تمومش می‌کنم. به نظر من نیاز جنسی باید در خلال روابط متعدد ارضا بشه، نباید صرفاً محدود بشه به یه نفر مثل همسر.»  
مشارکت‌کننده شماره ۷ بیان کرد:

«عشق! عشق یه چیز مسخره‌ست. عشق کیلو چنده؟! همه‌ش دروغ و فریبه. همه‌ش واسه اینه که طرف رو به زیر سلطه خودت دربیاری و ازش استفاده کنی. متنفرم از کسایی که مدعی عشق هستن. من توی خودم ندیدم؛ همه‌ش باید برای اینکه با یکی ارتباط بگیری هزارتا تاکتیک به کار بگیری. چرا باید این‌طوری باشه؟ چون مردم فکر می‌کنن چیزی به اسم عشق هست و باید به دستش بیارن.»  
مشارکت‌کننده شماره ۴ بیان کرد:

«به نظر من همه چیز سکس است. هرکاری می‌کنیم آخرش برمی‌گرده به همین. انسان خیلی هم مقدس نیست که می‌گن. آدما مثل ماشین هستن مثل ابزارهایی که می‌سازیم. هرکی از اون یکی یه استفاده‌ای می‌کنه و وقتی استفاده‌ش تموم بشه ولش می‌کنه.»

### ث) استحاله ارزشی یا استحاله مرضی ارزش‌ها

استحاله ارزشی یا استحاله مرضی ارزش‌ها بحران وجودی دیگری است که در مردان‌خیانت، توأم با سه بُعد آن (حصار‌انگاری سنن، فردیت‌محوری محض و گریز از معمولی‌بودن) مورد شناسایی قرار گرفت. افرادی که مورد مصاحبه قرار داشتند ارزش‌گریز نبودند بلکه دچار تغییرات ارزشی شده بودند. مردان خیانت‌کار مورد بررسی تأکید داشتند که پای‌بندی به ارزش‌های دست‌وپاگیر قدیمی نوعی عقب‌ماندگی است، ارزش زمانی ارزش است که خود فرد در ایجاد آن نقش داشته باشد و زمانی که پیرو سنت باشی درواقع در نوعی معمولی‌بودن خود را غرق کرده‌ای و با قراردادن خود در چرخه تکرار، فرصت پیشرفت را از خویشتن سلب می‌کنی.

مشارکت‌کننده شماره ۶ بیان کرد:

«تعهد یعنی چی؟ اینکه از هرچی دوست داری و با هرکی دوست داری ارتباط بگیری، دوری کنی؟ نه من این رو قبول ندارم. به نظرم هرکسی با هرکسی دوست داشته باشه می‌تونه هر نوع ارتباطی که دلش بخواد رو بگیره.»

مشارکت‌کننده شماره ۱۲ بیان کرد:



«من دوست ندارم مثل بقیه باشم. ترجیح می‌دم متفاوت باشم. مثل بقیه بودن به معنی سالم بودن نیست. به نظرم متفاوت بودن یعنی سالم بودن. قرار نیست که چون همه وفاداری رو ارزش می‌دونن، وفاداری رو نشان از سلامت شخصیتی بدونیم که. اصلاً چه دلیلی وجود داره که بی‌وفایی نابهنجاره؟»  
مشارکت‌کننده شماره ۹ بیان کرد:

«ما جوامع سنتی هستیم باید از محدودیت‌ها و چیزایی که نقشی توی انتخابشون نداشتیم گذر کنیم. من دلم می‌خواد به غیر از زنم با زنا‌ی دیگه هم رابطه داشته باشم. به همسر خودم هم رسیدگی می‌کنم.»

### ج) پوچی‌گریزی

پوچی‌گریزی آخرین بحران وجودی مردان خیانت‌کار بود که در جریان تحلیل گفته‌های مصاحبه شونده‌گان، توام با سه بُعد آن (عشق‌جویی غیرارزشی و مرضی، غرقگی در معانی میل‌محور و غوطه‌وری در روزمرگی) مورد شناسایی قرار گرفت. حس عمیق پوچی و احساس بی‌معنایی پنهان، از خصیصه‌های اصلی این افراد بود. مردان خیانت‌کار با اینکه تأکید داشتند که زندگی پر از معنایی دارند ولی معنای مدنظرشان غرق شدن در امیال جنسی و روابط گذرا بود. این گروه از افراد نه‌تنها در امیال جنسی غرق شده بودند و چنین امیالی را نوعی معنا تلقی می‌کردند، به‌خوبی آگاه بودند که درحال فریب خود هستند و ولی از درنگ و تعمق در آن سر باز می‌زدند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۱ بیان کرد:

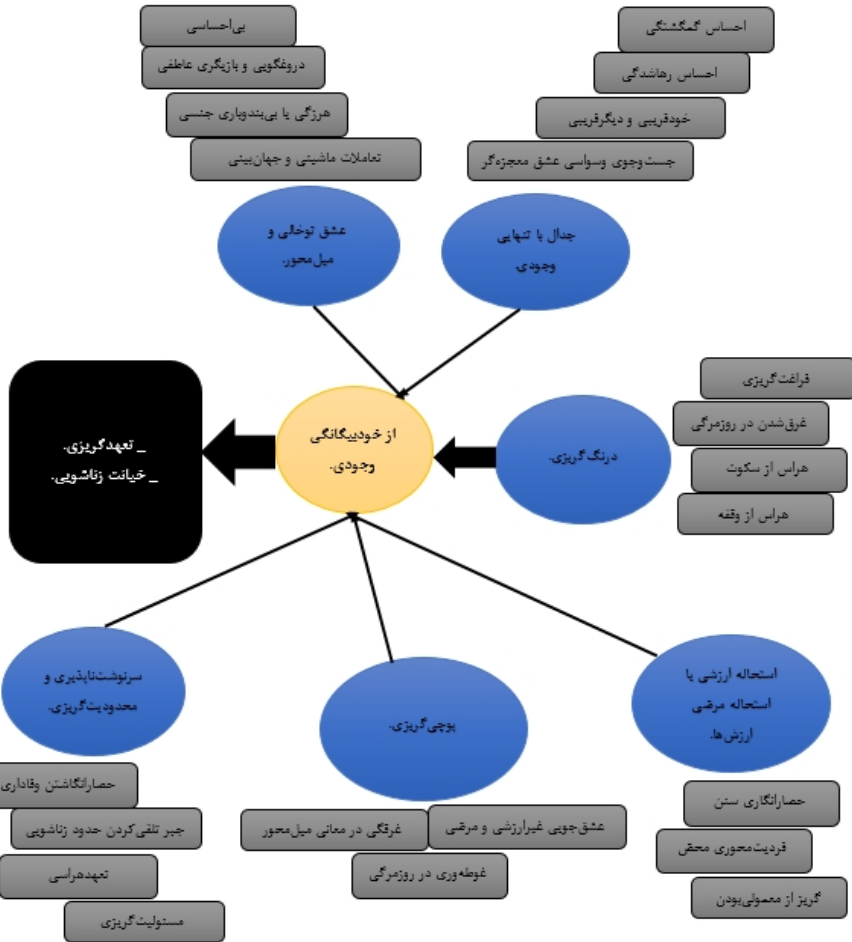
«عشق همین‌ه دیگه. من دارم رابطه عاشقانه ایجاد می‌کنم. چه عیبی داره که آدم به غیر از همسرش از افراد دیگه لذت ببره؟ من با این کار حداقل یه ذره احساس می‌کنم که هستم، می‌تونم و وجود دارم.»  
مشارکت‌کننده شماره ۱۵ بیان کرد:

«هرچیزی دنیای خودش رو داره. سکس و پیوندهای جدید هم معنای خودش رو داره. مهم اینه که من از لذت می‌برم. مهم اینه که حس خوبی برام داره و پر از سرگرمی و هیجان.»  
مشارکت‌کننده شماره ۴ بیان کرد:

«من به سمت سکس کشش دارم. درون من نیاز جنسی اولویته. هرکسی این نیاز رو داره ولی شدتش فرق می‌کنه. معتقدم که یه نوع عشقه که ارزش تجربه کردن داره. این رابطه برام لذت داره و باعث می‌شه خیلی احساس دل‌مردگی نکنم.»  
مشارکت‌کننده شماره ۶ بیان کرد:

«زندگی طولانی و عذاب‌آور. بالاخره باید یه جور سرت رو گرم کنی دیگه. من همسر و بچه‌هام هم دوست دارم و بعضی اوقات این روابط رو هم تجربه می‌کنم. خیلی بحرانی کردید مسئله رو، یه مسئله ساده‌ست.»

شکل ۱: شبکه مضامین استخراجی



## بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی بحران‌های وجودی در مردان خیانت‌کار انجام شد. واکاوی تجربیات زیسته مصاحبه‌شوندگان منجر به شناسایی یک مضمون اصلی (از خود بیگانگی وجودی) و شش زیرمضمون (درنگ‌گریزی، سرنوشت‌ناپذیری و محدودیت‌گریزی، جدال و کشمکش با تنهایی وجودی، عشق توخالی و میل‌محور، استحاله ارزشی یا استحاله مرضی ارزش‌ها و پوچی‌گریزی) شد.

افرادِ درگیر خیانت زناشویی، افرادی درنگ‌گریز هستند. از هرگونه تعمق در کرده‌ها و اهمال‌کاری‌های خویش دوری می‌کنند و تمایلی به اندیشه در مورد آن ندارند. نیندیشیدن به کرده‌های مختلف، سبب می‌شود فرد از تبعات و پیامدهای آن و همچنین از مسئولیتی که در قبال آن‌ها دارد غافل باشد. مردان درگیر در خیانت زناشویی، حاضر نیستند که درباره انتخاب خود به تعمق بپردازند و نسبت به ماهیت و کارکرد مثبت یا

منفی آن بینش کسب کنند. هراس از اندیشیدن به خیانتی که درگیر آن هستند، سبب می‌شود که این افراد از خلوت و سکوت و هر موقعیت دیگری که موجبات تعمق را فراهم کند دوری کنند. این گروه از افراد برای گریز از اندیشه به خیانتی که درگیر آن هستند، سعی می‌کنند که در امور مختلف و فعالیت‌های روزمره غرق شوند و از هرگونه تعمق و درنگی سر باز زنند، زیرا به‌خوبی آگاهی دارند که چنین درنگی می‌تواند یادآور تبعات و پیامدهای مخرب این رفتار و مسئولیت‌های خود در قبال آن باشد. آگاهی از این واقعیت که آزادانه در مسیر تعاملی مخرب گام برداشته‌اند و خود انتخاب‌گر آن هستند، سبب ایجاد حسی از اضطراب و تنش در این افراد می‌شود و لذت موقتی و پوشالی چنین تعاملی را در آن‌ها نابود می‌سازد. بسیاری از افرادی که مورد بررسی قرار گرفتند حتی در حین مصاحبه تمایلی به اندیشیدن درباره خیانت زناشویی نشان نمی‌دادند و به‌شیوه‌های مختلف از تعمق در آن اجتناب می‌کردند. تعمق و درنگ، مسئولیت‌زا است و فرد را نسبت به آزادی خویش آگاه می‌کند، آگاهی‌ای که مواجهه با آن قطعاً اضطراب‌برانگیز است و فرد را درگیر خود می‌کند. از همین رو است که این گروه از افراد از غرق‌شدن در آن خودداری می‌کنند و تلاش می‌کنند با دوری از شرایط زمینه‌ساز درنگ و همچنین بهره‌گیری از روش‌های غافل‌کننده نظیر غرق‌شدن در روزمرگی، احتمال مواجهه با آن را تا حد زیادی کاهش دهند.

درنگ به معنای تعمق قبل از پاسخ‌دهی است. درنگ فرایندی است که طی آن فرد در مواجهه با یک محرک، قبل از واکنش به آن، به ارزیابی ابعاد مختلفش می‌پردازد و پس از واکاوی دقیق واکنش خود را بروز می‌دهد (می، ۱۹۸۱). درنگ ماهیتی غنی دارد و توانایی آن عینیت آزادی است. می (۱۹۸۱) تأکید دارد که درنگ خاستگاه آزادی اساسی است. این درنگ است که با تفکر، تعقل، خلاقیت، بهت و اندیشیدن توأمان است. خصایصی که وجود آن بیانگر آزادی کارکردی فرد است و نشان از آن دارد که دنیای ذهنی و درونی وی کاملاً تحت اختیار و انقیاد خودش است. درنگ لازمه اندیشه‌کردن است و افراد با درنگ‌کردن در فواصل زمانی مختلف، سعی می‌کنند امور مختلف را مورد فهم قرار دهند و درک آن را ممکن سازند. از آنجایی که درنگ با تنش و فشار توأم است افراد از آن گریزان هستند.

بسیاری از افراد درگیر در روابط زناشویی از درنگ‌کردن در روابط نامشروع خویش گریزان بودند و تعقل پیرامون آن را بی‌فایده و حتی مخرب قلمداد می‌کردند. چنین دیدگاهی در واقع نوعی گریز از مواجهه با خیانتی است که در حال انجام هستند و شکل‌گیری و تداوم آن را تا حد زیادی موجب می‌شود. آسایش<sup>۱۱</sup> (۱۳۹۶) در پژوهش خود تصریح کرد که تفکر و تعمق در خیانت زناشویی منجر به ایجاد احساس‌های ناخوشایند و پشیمانی شده و بهبود رابطه و احتمال بازگشت فرد خیانت‌دیده را به زندگی افزایش می‌دهد. با این‌حال بسیاری از افراد دارای تجربه خیانت از چنین تعمقی خودداری می‌کنند و برای گریز از احساسات ناخوشایند حاصل از آن تمایلی به تجربه آن ندارند. تفکر در مورد خیانت زناشویی در افرادی که درگیر این روابط هستند، زمینه را برای بروز احساس پشیمانی افزایش می‌دهد و کارکرد زوجین را به وضعیتی طبیعی باز می‌گرداند (سرمدی، ۱۳۹۷).

مردان خیانت بر این عقیده بودند که سرنوشت نابودکننده آزادی است و باید بر ضد آن تاخت! مردان خیانت جدای از اینکه پای‌بندی به انحصار و تعهد رابطه زناشویی را مخل آزادی قلمداد می‌کردند، برای گریز از هراس مسئولیت‌پذیری، تمایلی به تعمق در آن نداشتند. مردان خیانت‌کار برای اینکه خیانت زناشویی را

برای خود قابل توجه سازند بر این عقیده تأکید داشتند که این رابطه حق آن‌ها است و دوری از آن بیانگر این واقعیت تلخ است که فرد حصار زناشویی را در آغوش گرفته و آزادی وجودی خود را به دست فراموشی سپرده است. این شیوه اندیشه امکان گریز از تعهد و مسئولیت‌پذیری را برای این افراد فراهم می‌کند. این افراد معتقد بودند که خیانت زناشویی فاقد هرگونه تأثیر مخرب است و هرگونه واکنش منفی از طرف همسر یا اطرافیان به آن، کاملاً غیراصولی است و مسئولیتش بر عهده خودشان است. مردان خیانت‌کار به‌نوعی، از مواجهه با این مسئولیت‌های گسترده هراس داشتند و با تکیه بر تبیین‌ها و توجیه‌های مختلف و پیچیده سعی می‌کردند از آن بگریزند. مردان خیانت‌تأکید داشتند که نمی‌توانند از خیانت زناشویی دوری کنند ولی ضرورتی هم برای این اجتناب احساس نمی‌کنند، زیرا وجود آن را حق خود و خودداری از آن را گرفتارشدن در حصار محدودیت‌های زناشویی می‌دانند. از سوی دیگر این گروه از افراد بر این عقیده بودند که در آغوش کشیدن قواعد ضمنی و غیرضمنی زندگی زناشویی، تعهدآور و محدودکننده است و فرد را به بسیاری از امور و رعایت آن‌ها ملزم می‌کند، الزامی که فرصت داشتن زندگی لذت‌بخش را از فرد سلب کرده و این امکان را که از عمر خویش بیشترین میزان استفاده را بکند از وی سلب می‌کند.

یکی از ابعاد سرنوشت، فردی است که برای ازدواج انتخاب و با او تشکیل خانواده می‌دهیم. از دیدگاه می (۱۹۶۹) ما در انتخاب همسر خویش آزاد هستیم، با این حال بایستی بدانیم که زندگی زناشویی قواعد ضمنی - غیرضمنی و همچنین حد و حدود خاص خود را دارد. آزادی و میزان آن در طی روابط زناشویی، با محدودیت‌ها و چهارچوب‌هایی همراه است که زوجین باید نسبت به آن‌ها توجه داشته باشند. افرادی که آزادی اصیل دارند به قواعد زندگی زوجی به‌ویژه انحصاری بودن رابطه عاطفی - جنسی موجود در آن متعهد هستند (مالیک و همکاران، ۲۰۱۴). می (۱۹۶۹) بر این عقیده است که برخی از افراد آزادی را با بی‌بندوباری اشتباه گرفته‌اند و معتقد هستند که آزاد هستند تا با هرکسی به هرشیوه‌ای که دوست داشته باشند بدون توجه به هرگونه محدودیتی تعامل برقرار کنند. زمانی که افراد سرنوشت زناشویی خود را نمی‌پذیرند و معتقد هستند که چنین پیوندی هیچ‌گونه تعهد خاصی را برای آن‌ها ایجاد نکرده است، با سهولت به سمت روابط دیگر گرایش پیدا کرده و وفاداری زناشویی خود را زیر پا می‌گذارند (کیانی‌پور<sup>۱۰۲</sup>، ۱۳۹۷). می (۱۹۸۱) به این واقعیت اشاره دارد که آزادی اصیل داشتن روابط متعدد و زیرپا گذاشتن تعهدات زناشویی را جایز نمی‌شمارد و افرادی که از این آزادی برخوردار هستند، به‌خوبی می‌دانند که بایستی در چهارچوب سرنوشت خود از آن بهره ببرند و به محدودیت‌های انتخابی خود متعهد باشند. چنین افرادی بلاشک انرژی خود را به جای خیانت زناشویی صرف روابط زوجی خود خواهند کرد و نیازهای عاطفی و جنسی خویش را صرفاً در تعامل با همسر خویش ارضا می‌کنند (آمیر، ۲۰۱۸). می (۱۹۶۹) تأکید دارد که جوامع مختلف با بی‌بندوباری در سطحی گسترده مواجه هستند. افراد هیچ قیدوبند ارتباطی را رعایت نمی‌کنند، تعاملات جنسی آزاد شده و افراد تمایلی به ازدواج و متعهدکردن خود ندارند، مسئولیت‌های زناشویی کم‌رنگ شده و این اعتقاد در افراد درونی شده که حق ارضای نیازهای خویش را دارند به هرگونه که دوست داشته باشند.

مردان‌خیانت‌قادر به پذیرش تنهایی وجودی و کنارآمدن با آن نیستند و از هیچ تلاشی برای گریز از آن دوری نمی‌کنند. این گروه از افراد سعی داشتند از طریق تجربه روابط مختلف و حتی ناهنجار، از شدت تنهایی وجودی خود بکاهدند و تا حدی تنش ناشی از آن را تسکین بخشند. مردان خیانت در درون خود

به‌شدت احساس گم‌گشتگی می‌کنند. آن‌ها معتقد هستند در دنیایی خصمانه تنها رها شده‌اند که هر آن، احتمال آسیب‌رساندن به آن‌ها وجود دارد. چنین احساسی به‌حدی آزاردهنده است که زمینه را برای پناه‌بردن به خیانت زناشویی با هدف کاهش شدت آن فراهم می‌کند. اما این گروه، مدتی پس از درگیر شدن در خیانت زناشویی با این واقعیت مواجه می‌شوند که چنین رابطه‌ای، قادر به تسکین تنش ناشی از تنهایی وجودی نیست و متأثر از چنین بینشی، پیوسته به‌دنبال ایجاد روابط جدید و نو می‌روند و تلاش می‌کنند با برقراری رابطه با افرادی دیگر، از تنهایی وجودی خود بکاهند. غرق شدن در خیانت زناشویی که میل‌محور است و صرفاً با هدف ارضای نیازهای جنسی برقرار می‌شود، نه‌تنها نقشی در کاهش تنش ناشی از تنهایی وجودی ندارد، بلکه با ناکام کردن فرد در رسیدن به امنیت درونی، اضطراب و هراس موجود در وجود وی را دوچندان می‌کند. مردان خیانت از چنین واقعیتی آگاهی داشتند و متأثر از چنین آگاهی‌ای، برخی از آن‌ها بیش از ده خیانت زناشویی را تجربه کرده بودند. رابطه‌ای که مدتی درگیر آن بودند و پس از اینکه پی می‌بردند که قادر به کاهش اضطراب و هراس وجودی آن‌ها نیست، آن را رها کرده و با بهره‌گیری از بیان مکارانه، فردی دیگر را به زیر سلطه خود درمی‌آوردند و رابطه‌ی عاطفی \_ جنسی دیگری با او برقرار می‌کردند. این دوری باطل است که تسکینی به دنبال نخواهد داشت و نمی‌تواند امنیت و آرامش درونی این افراد را با کاهش اضطراب ناشی از تنهایی وجودی افزایش دهد.

تمایل به تنهایی و بی‌احساسی، یکی از شایع‌ترین بحران‌هایی است که جوامع و افراد مختلف را تحت‌تأثیر و سیطره خود قرار داده است (بریتبارت، ۲۰۱۷). می (۱۹۸۱) تأکید دارد که بسیاری از افراد، هرگونه پیوند بین فردی به‌ویژه پیوندهای عاشقانه را نوعی تحت‌کنترل قرار گرفتن می‌دانند و به‌همین دلیل از گرایش به سمت آن خودداری می‌کنند. چنین افرادی از ورود به پیوندهای متعهدانه نظیر پیوندهای عاطفی و جنسی متداوم دوری می‌کنند و بیشتر تمایل دارند نیازهای خود را به‌صورت لحظه‌ای و به دور از هرگونه تعهدی ارضا کنند. زوجینی که با چنین بحرانی مواجه هستند بی‌احساسی را نسبت به یکدیگر نیز تجربه می‌کنند و معمولاً به‌جای غرق شدن در پیوند خویش، ارضای نیازهای جنسی و عاطفی خود را در قالبی گذرا و از طریق روابط خارج از این پیوند ممکن می‌سازند (ساندستورم و همکاران، ۲۰۱۹). می (۱۹۶۹) در ارتباط با این مسئله اشاره می‌کند که بی‌احساسی زوجین را از یکدیگر دور و آن‌ها را منزوی می‌کند. احتمال گرفتار شدن این افراد در دام خیانت زناشویی بیشتر از سایر زوجین است، زیرا هرگونه تعهد زناشویی را سلب‌کننده آزادی تلقی کرده و سعی می‌کنند از آن دوری کنند. بنابراین بدیهی است که برای ارضای نیازهای خود به‌سمت روابط فاقد تعهد گرایش پیدا کنند. حمیدی و همکاران (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود تصریح کردند که تنهایی و احساس تنش‌زای توأم با آن، از دلایلی است که زمینه را برای بروز تنش‌های زناشویی فراهم می‌کند و احتمال گرایش به خیانت را افزایش می‌دهد.

برخی از مردان مورد بررسی در این پژوهش به‌شدت بی‌احساس بودند و هیچ اهمیتی به عواطف خود و دیگری و ادراک و فهم آن نمی‌دادند. این گروه بر این باور بودند که غوطه‌وری در عشق، غوطه‌وری در حصار است که فرصت شکوفایی را از فرد سلب می‌کند و فرد را به رابطه‌ای تکراری و خشک محدود می‌کند. از دیدگاه این افراد عشق، فرصت داشتن روابط دیگر را از فرد سلب می‌کند. اگرچه مردان خیانت مورد بررسی، چنین دیدگاهی نسبت به عشق داشتند ولی به‌صورت وسواسی در پی روابط نو و بدیعی بودند

که عشقی امنیت‌بخش را به آن‌ها هدیه کند. آن‌ها از ترفندهای گوناگون برای به زیر یوغ کشیدن دیگران استفاده می‌کردند و آن‌ها را با دروغ‌گویی و فریب شیفته خود می‌کردند. شیفتگی که با هدف داشتن کنترل بر آن‌ها اعمال می‌شد و امکان هرگونه استفاده و سوءاستفاده را به‌ویژه در بُعد جنسی در اختیار این افراد قرار می‌داد. تجربه پیوسته چنین روابطی، دروغ‌گویی و فریب را به یکی از خصایص شخصیتی این گروه مبدل می‌کند و آن‌ها را به سمت هرزگی و بی‌بندوباری سوق می‌دهد. هرزگی از دید این افراد عینیت یافتن آزادی است و نشان از آن دارد که فرد خود را به هیچ حصار و زندانی محدود نکرده است. بی‌احساسی، دروغ‌گویی و فریب‌کاری، هرزگی جنسی و دید ماشینی نسبت به دیگران، از جمله خصایص مخربی بود که مردان خیانت به آن گرفتار بودند و زمینه را برای گرفتارشدن این گروه در روابط میل‌محور و متنوع فراهم کرده بود.

می (۱۹۶۹) تأکید دارد که فقدان عشق مهرورزانه بین زوجین و برقراری رابطه صرفاً بر مبنای میل جنسی، عاملی است که تداوم و تعهد موجود در این رابطه را در معرض تزلزل قرار داده و پای‌بندی طرفین را به آن کاهش می‌دهد. عشق جنسی ثابت چندانی ندارد و زوجینی که فقط از این مزیت برخوردار هستند احتمال گرایششان به خیانت زناشویی به دلیل تکراری شدن رابطه زوجی‌شان در سطح بالایی قرار دارد (بالوم، ۱۹۸۰). نبود عشق در خلال رابطه زناشویی می‌تواند هم‌چون روابطی که صرفاً ماهیتی جنسی دارند زمینه را برای گرایش طرفین به خیانت زناشویی افزایش دهد (استیلمان و همکاران، ۲۰۱۹). بسیاری از افرادی که به سمت خیانت زناشویی گرایش دارند، معمولاً دیدگاه جنسی صرف و نگاهی شیء‌گونه به جنس مخالف دارند. این دیدگاه سبب می‌شود که نسبت به انحصار روابط عاطفی و جنسی در قالب رابطه زوجی خود متعهد نباشند و حق خود بدانند که تعاملات جنسی گسترده‌تری با سایر افراد نیز برقرار کنند (می، ۱۹۶۹). اگر دقت کرده باشید بسیاری از زوجین ارضا نشدن نیازهای جنسی خود را دلیل گرایش به روابط زناشویی معرفی می‌کنند. زمانی که رابطه موجود آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم، با این واقعیت مواجه می‌شویم که تعاملات جنسی مطلوبی با همسرشان دارند و با این حال ارضا نشدن جنسی را علت خیانت معرفی کرده‌اند! این گروه از افراد جهان‌بینی شیء‌گونه دارند که گرایششان را به روابط جنسی متعدد تسهیل می‌کند و تسریع می‌بخشد (حاجی‌میری<sup>۱۳</sup>، ۱۳۹۷). نبود عشق و بی‌احساسی زوجین نسبت به یکدیگر، یکی از عواملی است که با افزایش شدت روابط فرازوجی مخرب، ثبات پیوند زناشویی را در معرض تزلزل قرار می‌دهد (جمشیدی‌بورخانی<sup>۱۴</sup>، ۱۳۹۵). بی‌احساسی و اولویت‌دادن به نیاز جنسی در روابط بین‌فردی، سبب شده است که افراد همواره در تکاپوی برقراری روابط جنسی متعدد و متنوع باشند و بدین شکل و از دیدگاه خودشان بیشترین استفاده را از توان خود در این زمینه داشته باشند. با این حال چنین تحولی، مانع از شکل‌گیری روابط عاشقانه می‌شود و ثبات پیوندهای زوجی، نهاد خانواده و حتی انسجام جامعه را در معرض آشفتگی قرار می‌دهد (می، ۱۹۶۹).

مردان مورد بررسی در این پژوهش رابطه عاطفی \_ جنسی را خصیصه منحصربه‌فرد رابطه زناشویی تلقی نمی‌کنند و بر این عقیده هستند که فرد آزاد است و این حق را دارد تا علاوه بر رابطه با همسر خویش، روابط دیگری نیز برقرار کند. چنین باوری به یکی از ارزش‌های اساسی این گروه مبدل شده است و تأکید دارد که همسو با ارزش آزادی است. این گروه از افراد هرگونه تعهد به سنن را سلب‌کننده آزادی فرد می‌دانند و عقیده دارند که زندگی همسو با سنن، مانع از شکوفایی و تحقق خلاقیت فردی می‌شود. متأثر از چنین باوری، تنها

راه شکوفایی و خودتعالی را رهانیدن خود از سنن و ارزش‌های دست‌وپاگیر و گریز از معمولی‌بودن تلقی می‌کنند. ارزش‌هایی که یکی از آن‌ها، انحصاری‌بودن تعامل عاطفی - جنسی در زندگی زناشویی است. ارزشی که بر ضد آن تاخته و با غرق‌کردن خود در خیانت زناشویی، فکر می‌کنند که خود را به تعالی می‌رسانند. برخی از مردان خیانت از معمولی‌بودن متنفر هستند. منظور آن‌ها از معمولی‌بودن مثل دیگران بودن است. مثل دیگران متعهد به زندگی زناشویی بودن، مثل دیگران خود را محدود به یک رابطه کردن و مثل دیگران لذت روابط متنوع را از خویشتن سلب کردن! این گروه برای گریز از معمولی‌بودن، به سمت خیانت گرایش می‌یابند و تمایل دارند به هر اندازه که توان داشته باشند آن را تجربه و تکرار کنند. مردان خیانت، این شیوه زندگی کردن را متفاوت‌بودن می‌دانند و بدان تمایل زیادی نشان می‌دهند.

امروزه بسیاری از افراد زندگی را فرایندی پوچ و بی‌معنی می‌انگارند و معتقد هستند که تا می‌توان می‌بایست از عمر خود لذت برد و تصورات خود را در ابعاد مختلف به‌ویژه جنسی تحقق بخشید. چنین باوری سبب شده است که دید افراد نسبت به یکدیگر شیء‌گونه باشد و بسیاری از ارزش‌ها را فراموش کنند. بی‌بندوباری و عدم‌پای‌بندی به آزادی اصیل، موجب شده است که افراد نسبت به بسیاری از ارزش‌ها بی‌تفاوت باشند و از یکدیگر صرفاً به‌عنوان ابزاری برای ارضای نیازها به‌ویژه نیازهای جنسی بهره ببرند. می (۱۹۶۹) تأکید دارد که نگاه جنسی افراد به یکدیگر و عدم‌تمایل به برقراری پیوندهای ارزشمند و توأم با معنا، یکی از ویژگی‌های جامعه مدرن است که علت اصلی آن فوران فردیت و عدم‌پای‌بندی به محدودیت‌های ارزشی در سطح جامعه است. این نگاه مخرب سبب شده است که افراد تمایلی به ازدواج نداشته باشند و صرفاً به برقراری روابط کوتاه‌مدت و ارضاکنده نیازهای جنسی بسنده کنند. روابطی که هیچ‌گونه تعهد و پایداری ندارد و نمی‌توان به ماندگاری و سلامت آن هیچ اعتماد و اطمینانی داشت (فتاحی‌اردکانی<sup>۱۰۵</sup>، ۱۳۹۷).

مردان خیانت مورد بررسی در این پژوهش حس عمیقی از بی‌معنایی داشتند و زندگی زناشویی برایشان فاقد هرگونه ارزش ماهوی بود. ادراک بی‌معنایی در زندگی سبب شده بود که این گروه در روزمرگی غرق شوند و با گذراندن اوقات خویش در فعالیت‌های مختلف، خود را از مواجهه با اضطراب ناشی از بی‌معنایی رها سازند. این گروه از افراد باور داشتند که عشق می‌تواند حسی از معنا را در آن‌ها ایجاد کند، با این‌حال دیدگاهشان به عشق به‌طور کامل جنسی بود و ارزشی برای عشق مهرورزانه قائل نبودند. چنین نگرش مخرب و ناسالمی زمینه را برای گرفتارشدن این گروه در دام روابط عاطفی - جنسی فرازناشویی فراهم کرده بود. روابطی که از فراوانی و شدت بسیار زیادی برخوردار بود و حسی از بودن و سطحی از معنای پوشالی را در این گروه ایجاد کرده بود. مردان خیانت از پرداختن به روابط فرازناشویی و فریب‌دادن افراد احساس کفایت، لیاقت و شایستگی می‌کردند و به خود می‌بالیدند! برخی از این افراد با دوستان خود عرصه‌ای رقابتی ایجاد کرده بودند و بدین‌شکل و با القای برتری خود، تا حدی احساس ارزشمندی را در خویشتن بیدار می‌کردند.

می (۱۹۶۹) تأکید دارد که زندگی زناشویی وقتی با احساس معنا توأم باشد و افراد به‌عنوان فعل و فرایندی ارزشمند بدان بنگرند، نه‌تنها صمیمیت و عشق بیشتری را ادراک می‌کنند، بلکه به تعهدات و قواعد زناشویی نیز پای‌بندی بیشتری خواهند داشت. افرادی که زندگی زناشویی برایشان فاقد هرگونه معنا است، معمولاً تمایلی به ازدواج ندارند و زمانی که متأثر از عوامل مختلف تصمیم به ازدواج می‌گیرند، تعهدشان کمتر است و بیشتر احتمال دارد به‌سمت خیانت زناشویی گرایش پیدا کنند. افراد درگیر در خیانت زناشویی، زندگی

زوجی اهمیت و ارزش چندانی برایشان ندارد و پای‌بندی محض به آن هیچ معنایی را در وجودشان هویدا نمی‌سازد (می، ۱۹۸۱). بنابراین گرایششان به روابطی که بنیه این تعامل را در معرض خطر قرار دهد کاملاً بدیهی است. وقتی افراد ارزش زیادی برای زندگی زناشویی‌شان قائل باشند و از بودن در آن احساس معنا کنند، هیچ‌گاه ثبات آن را در معرض تزلزل قرار نمی‌دهند و با ورود به روابط موقتاً لذت‌بخش به تعهدات زوجی و وفاداری موجود در رابطه خیانت نمی‌کنند (مک‌کاری، ۲۰۱۵). رنج زندگی زناشویی وقتی برای فرد تحمل‌ناپذیر باشد بدیهی است برای گریز از تنش ناشی از آن، به سمت راه‌های سالم و غیرسالم نظیر خیانت زناشویی گرایش پیدا کند. می (۱۹۶۹) تأکید دارد که خیانت زناشویی برای بسیاری از افراد نقش تسکین‌دهنده را ایفا می‌کند و معمولاً پاسخی است به فقدان عشق و معنای ادراکی در روابط زوجی خود.

واکاوی تعامل بحران‌های وجودی و خیانت زناشویی در مردان خیانت‌کار با شناسایی یک مضمون اصلی (از خود بیگانگی وجودی) و شش زیرمضمون (درنگ‌گریزی، سرنوشت‌ناپذیری و محدودیت‌گریزی، جدال و کشمکش با تنهایی وجودی، عشق توخالی و میل‌محور، جهش ارزشی یا جهش مرضی ارزش‌ها و پوچی‌گریزی) همراه بود. آشکارسازی این عوامل ضمن افزایش اطلاعات و آگاهی درباره چرایی شکل‌گیری و تشدید خیانت زناشویی، نشان داد که افزایش بینش فرد به ماهیت وجودی خود، کاهش بیگانگی با ابعاد آن و همچنین همسوسازی کارکرد خود با طبیعت واقعی خویش، از جمله لازمه‌هایی است که تحقق آن می‌تواند تا حد زیادی پای‌بندی به تعهدات زناشویی را تقویت کند و از تمایل فرد به تجربه خیانت زناشویی بکاهد. این یافته‌ها می‌تواند توسط مشاورین و روان‌شناسان در طراحی مدل‌های نظری، آموزشی و درمانی با هدف کاهش بحران‌های وجودی در مردان خیانت‌کار مورد استفاده قرار بگیرد و بدین‌شکل زمینه برای کاهش و پیشگیری از چنین گرایشی فراهم شود.

تمرکز صرف بر مردان خیانت‌کار و جای‌ندادن زنان خیانت‌کار در پژوهش حاضر، طولانی‌شدن برخی از مصاحبه‌ها (بیش از ۳ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای) و تمایل نداشتن مصاحبه‌شوندگان برای ادامه فرایند مصاحبه، تابو بودن موضوع خیانت در فرهنگ ایرانی \_ اسلامی و راحت نبودن برخی از مصاحبه‌شوندگان به بیان تمامی دیدگاه‌های خود درباره این تجربه، از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر بود که دسترسی به اطلاعات جامع در مورد تعامل بحران‌های وجودی و خیانت زناشویی و همچنین تفاوت‌های جنسیتی موجود در این زمینه را با ضعف مواجه نمود.

پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی بحران‌های وجودی در زنان خیانت‌کار نیز مورد واکاوی قرار گیرد، مبتنی بر بحران‌های اکتشافی در این پژوهش پرسش‌نامه بحران‌های وجودی طراحی و اعتباریابی شود، بحران‌های وجودی در زوجین دارای تجربه خیانت و زوجین متعهد و فاقد تجربه خیانت واکاوی و مقایسه شود، برنامه‌هایی جهت افزایش بینش افراد (به‌ویژه افراد در آستانه ازدواج و یا متأهل) نسبت به ماهیت و ابعاد وجودی خود طراحی و اجرایی شود، همچنین اثربخشی رویکردهای وجودی \_ انسان‌گرا نظیر رویکرد رولو می بر بحران‌های وجودی مردان خیانت‌کار و گرایششان به خیانت زناشویی بررسی شود.



1. Infidelity
2. Weiser & Weigel
3. Jenkins
4. Choupani, Sohrabifard, Mohammadi, Esmaeli & Samdifard
5. Emotional infidelity
6. Sexual infidelity
7. Emotional Sexual infidelity
8. Zare
9. Labrecque & Whisman
10. Pacher
11. Abzug
12. Eindor, Perrypaldi, Hirschberger & Birnbaum
13. Mark, Janssen & Milhausen
14. Honararparvaran
15. Gharagozloo, moradhaseli & atadokht
16. Sodani, Karimi, Mehrabizadeh & Neisi
17. Choupani & Karami
18. Sexual & emotional diversity
19. Selterman, Garcia & Tsapelas
20. Omarz, Miller, Schultz & Timmerman
21. Initial inconsistent schemas
22. Porjorat
23. Parvizi & Behzadipour
24. Extraversion
25. Hamidi, Ahmadi & Visani
26. Commitment
27. Fye., & Mims
28. Original love
29. Rafiyi & Jahromi
30. Emotional dissatisfaction
31. Sexual dissatisfaction
32. Warach, Josephs & Gorman
33. Insecure attachment style
34. Beltrán-Morillas, Valor-Segura & Expósito
35. Yuan & Weiser
36. Depression
37. Azhar, Abbas, Wenhong, Akhtar & Aqeel
38. Anxiety & Worry
39. Shrout., & Weigel
40. Feeling guilty & self-defeating
41. Fisher, Voracek, Rekkas & Cox
42. Stress
54. Interpersonal dissatisfaction
55. Amer
56. Emotional separation
57. Balderrama-Durbin, Stanton, Snyder, Cigrang, Talcott, Smith Slep & Cassidy
58. Divorce
59. Shakeri
60. Leonidou, Aykol, Fotiadis & Christodoulides
61. Schmidt, Green & Prouty
62. Existential crises
63. May
64. Self-awareness
65. Freedom & Responsibility
66. Existential Guilty
67. Love
68. Meaning
69. Existential communication
70. Existential anxiety
71. Death
72. Koery
73. Temple & Gall
74. Kretschmer & Storm
75. Tabatabai Bozorgi
76. Marital boredom
77. Marital turmoil
78. Kalantarkousheh
79. Keshavarz
80. Farahanipour
81. Hackett
82. Yalom
83. Malik, Nawaz, Mehmood, Riaz, Mushtaq & Khan
84. George & Park
85. Karimi Kakavand
86. MaCary
87. Scheeren, Apellániz & Wagner
88. Govahijahan
89. Shackelford, Besser & Goetz
90. Sundstrom, Blomqvist, Edberg & Ramgard
91. Breitbart
92. Larsson, Ramgard & Bolmsjo
93. Mah
94. Qualitative method
95. Interpretive phenomenology

- |   |                                |
|---|--------------------------------|
| 43. Shivarani, Azadfallah, Moradi & Eskandari | 96. Gal, Borg & Gal            |
| 44. Pessimism & distrust                      | 97. Purposive sampling         |
| 45. Zeinali & Amirsardari                     | 98. Semi-constructed interview |
| 46. Sleep problem                             | 99. Diekelmann, Allen & Tanner |
| 47. Sarmadi                                   | 100. Guba & Lincoln            |
| 48. Communication insecurity                  | 101. Asayesh                   |
| 49. Warach & Josephs                          | 102. Kianipour                 |
| 50. Marital conflicts                         | 103. Haji Miri                 |
| 51. O'Connor & Canevello                      | 104. Jamshidi Borkhani         |
| 52. Marital intimacy                          | 105. Fattahi Ardakani          |
| 53. Utley                                     |                                |

### منابع

- آسایش، م. ح. (۱۳۹۶). تدوین الگوی چندبعدی مشاوره پس آسیب و اثربخشی آن بر انصراف از طلاق، رضایت زناشویی و سلامت روان زوج‌های با سابقه بی‌وفایی همسر. پایان‌نامه دکتری رشته مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی.
- جمشیدی‌بورخانی، ز. (۱۳۹۵). رابطه بین توجیه روابط فرازناشویی و سبک‌های عشق‌ورزی در زنان متاهل شهر کرج. نخستین همایش جامع بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی، تهران: مرکز همایش‌های کوشاگستر با همکاری دانشگاه‌های کشور. قابل‌بازیابی از [https://www.civilica.com/Paper-PSYCHI01-PSYCHI01\\_064.html](https://www.civilica.com/Paper-PSYCHI01-PSYCHI01_064.html)
- چوپانی، م.، و کرمی، م. (۱۳۹۸). شیوع‌شناسی آسیب‌های روانی - اجتماعی مبتنی بر چرخه زندگی خانوادگی در خانواده‌های شهر تهران. طرح پژوهشی رشته مشاوره، دانشگاه جامع امام حسین.
- چوپانی، ک.، سهرابی‌فرد، م.، محمدی، ف.، اسماعیلی، ن.، و صمدی‌فرد، آ. (۱۳۹۸). ادراک مردان بی‌وفا از علل و عوامل بازدارنده از روابط فرازناشویی: یک مطالعه کیفی. فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۱۸(۶۵)، ۱۰-۱.
- حاجی‌میری، س. (۱۳۹۷). مقایسه احقاق جنسی، تعهد زناشویی و بی‌ثباتی ازدواج در زنان خیانت‌دیده و عادی قشم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس.
- حمیدی، ا.، احمدی، س.، و ویسانی، م. (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری خیانت زناشویی: یک مطالعه‌ی دلفی. همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی پدیده طلاق، سقز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد سقز، قابل‌بازیابی از: <https://civilica.com/doc/279531>
- رفیعی، ش.، و جمهری، ف. (۱۳۹۷). رابطه خیانت زناشویی و سبک‌های عشق‌ورزی با رضایت جنسی زوجین از یکدیگر. فصلنامه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۱۰(۱)، ۱۷۰-۱۵۸.
- سودانی، م.، کریمی، ج.، مهربانی‌زاده‌هنرمند، م.، و نیسی، ع. ک. (۱۳۹۱). اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر کاهش آسیب‌های ناشی از خیانت همسر. فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری، ۱۰(۴)، ۲۶۶-۲۵۸.
- سرمدی، ی. (۱۳۹۷). تعیین میزان و شدت آسیب‌های ناشی از خیانت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی، دانشگاه خاتم، تهران.
- شیورانی، م.، آزادفلاح، پ.، مرادی، ع.، و اسکندری، ح. (۱۳۹۵). درمان اختلال استرس پس از آسیب در زنان دارای تجربه خیانت. فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی، ۷(۴۵)، ۸۵-۱۰۶.
- شاکری، ف. (۱۳۹۷). مقایسه و پیش‌بینی گرایش به خیانت زناشویی براساس صفات تاریک شخصیت و تنظیم شناختی هیجانی در زنان متقاضی و غیرمتقاضی طلاق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه یزد.

طباطبایی بزرگی، س. (۱۳۹۷). *رابطه مولفه‌های وجودی با فرسودگی شغلی: اثربخشی درمان وجودی بر فرسودگی شغلی و سلامت روان معلمان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه سمنان.

فتاحی اردکانی، ا. (۱۳۹۷). *اثربخشی درمان وجودی مبتنی بر تغییر نگرش به زندگی بر خودبخودگی و نگرش به خیانت در زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی اورژانس اجتماعی بهزیستی شهر اردکان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردکان.

فراهانی پور، ف. (۱۳۹۱). *عشق و نقش‌آفرینی آن در کمال وجودی انسان با تکیه بر آراء ابن‌سینا و ابن‌عربی*. پایان‌نامه دکتری رشته معارف اسلامی، دانشگاه پیام‌نور واحد تهران.

قره‌گوزلو، ن، مرادحاصلی، م.، و عطادخت، ا. (۱۳۹۷). *مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی شناختی - رفتاری حضوری و مجازی بر اختلال استرس پس از سانحه در روابط فرازناشویی*. *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره*، ۱۷(۶۵)، ۲۰۶-۱۷۸.

کشاوری، م. (۱۳۹۴). *تبیین رابطه بخشودگی، صمیمیت و عشق با رضایت زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

کریمی کاکوند، م. (۱۳۹۷). *تاثیر درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر بهزیستی روانی، رضایت زناشویی و معنا در زندگی در بیماران مبتلا به سرطان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی.

کوری، ج. (۲۰۱۳). *نظریه و کاربرست مشاوره و روان‌درمانی*، (یحیی سیدمحمدی، ۱۳۹۳)، ۱۶، تهران: نشر ارسباران.

کیانی پور، ع. (۱۳۹۷). *مقایسه اثربخشی طرحواره‌درمانی و روایت‌درمانی بر ترکیب با غنی‌سازی زناشویی بر تمایل به خیانت زناشویی و رضایت زناشویی زنان درگیر در خیانت زناشویی*. پایان‌نامه دکتری رشته مشاوره، دانشگاه خوارزمی.

گواهی جهان، ف. (۱۳۸۹). *رابطه بین معنا در زندگی و رضایت از زندگی زناشویی*. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۶(۸)، ۵۰-۶۹.

هنرپروران، ن. (۱۳۹۳). *بررسی اثربخشی رویکرد پذیرش و تعهد (ACT) بر بخشش و سازگاری زناشویی زنان آسیب‌دیده از خیانت همسر*. *فصلنامه زن و جامعه*، ۵(۲)، ۱۵۰-۱۳۵.

- Abzug, R. (2016). Extramarital affairs as occupational hazard: A structural, ethical (cultural) model of opportunity. *Sexualities, 19*(1-2), 25-45.
- Azhar, A., Abbas, J., Wenhong, Z., Akhtar, T., & Aqeel, M. (2018). Linking infidelity stress, anxiety and depression: evidence from Pakistan married couples and divorced individuals. *International Journal of Human Rights in Healthcare, 11*(3), 214-228.
- Amer, Z. (2018). *Examining the role of relationship satisfaction in the association between rejection sensitivity and infidelity*. PhD Thesis in Psychology, University of Tennessee.
- Asayesh, M. H. (2017). *Develop a multidimensional model of post-traumatic counseling and its effectiveness on divorce cancellation, marital satisfaction and mental health of couples with a history of infidelity*. PhD Thesis in Counseling, Allameh Tabatabai University [in Persian].
- Breitbart, W. (2017). Existential isolation. *Palliative & Supportive Care, 15*(4), 403-404.
- Beltrán-Morillas, A. M., Valor-Segura, I., & Expósito, F. (2019). Forgiveness motivations in romantic relationships experiencing infidelity: Negative affect & anxious attachment to the partner as predictors. *Frontiers in Psychology, 10*(434). doi:10.3389/fpsyg.2019.00434.

- Balderrama-Durbin, C., Stanton, K., Snyder, D. K., Cigrang, J. A., Talcott, G. W., Smith Slep, A. M., Cassidy, D. G. (2017). The risk for marital infidelity across a year-long deployment. *Journal of Family Psychology, 31*(5), 629-634.
- Choupani, M., Sohrabifard, M. M., Mohammadi, F., Esmaeli, N., & Samdifard, A. (2019). [The perception of unfaithful men (infidelity) of the causes and factors in preventing Extramarital relations: a qualitative study]. *JCR, 18*(69), 79-105 [in Persian].
- Choupani, M., & Karami, M. (2019). *Prevalence of psychosocial injuries based on family life cycle in families in Tehran*. Research Project in Psychology, Imam Hossein University [in Persian].
- Diekelmann, N., Allen, D., & Tanner, C. A. (1989). *The NLN criteria for appraisal of baccalaureate programs: a critical hermeneutic analysis*. 6th ed. Washington, DC: National League for Nursing.
- Eindor, T., Perrypaldi, A., Hirschberger, G., Birnbaum, G. E., & Deutsch, D. (2015). Coping with mate poaching: Gender differences in detection of infidelity-related threats. *Evolution & Human Behavior, 36*(1), 17-24.
- Fye, M. A., & Mims, G. A. (2018). Preventing infidelity: A theory of protective factors. *The Family Journal, 27*(1), 22-30.
- Fisher, M., Voracek, M., Rekkas, P. V., & Cox, A. (2008). Sex differences in feelings of guilt arising from infidelity. *Evolutionary Psychology, 6*(3), 1-10.
- Fattahi Ardakani, A. (2018). *The effectiveness of existential therapy based on changing attitudes toward life on self-forgiveness and attitudes toward infidelity in women affected by marital infidelity Social Welfare Emergency in Ardakan*. Master Thesis in Counseling, Islamic Azad University, Ardakan Branch [in Persian].
- Farahanipour, F. (2012). *Love and its design in the perfection of human existence based on the views of Ibn Sina and Ibn Arabi*. PhD Thesis in Islamic Education, Payam-e-Noor University Tehran Branch [in Persian].
- Gall, M. D., Gall, J. P., & Borg, W. R. (2006). *Educational research: An introduction*. 8th ed. Boston, MA: Pearson.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1989). *Fourth generation evaluation*. New York: Sage Publications.
- George, L. S., & Park, C. L. (2017). The multidimensional existential meaning scale: A tripartite approach to measuring meaning in life. *The Journal of Positive Psychology, 12*(6), 613-627.
- Gharagozloo, N., Moradhaseli, M., & Atadokht A. (2018). [Compering the effectiveness of face to face and virtual Cognitive-behavioral Couples Therapy on the Post-traumatic stress disorder in Extra-Marital Relations]. *JCR, 17*(65), 187-210 [in Persian].
- Govahijahan, F. (2007). [Relationship between meaning in life and marital satisfaction among the applicants who called on consultative committees and not]. *Educational Psychology, 3*(8), 49-69 [in Persian].
- Hackett, J. E. (2015). *Existential freedom, self-Interest, & Frank underwood's underhandedness*. London: Wiley online Library.
- Haji Miri, S. (2018). *Comparison of sexual fulfillment, marital commitment and instability of marriage in betrayed and normal women of Qeshm*. Master Thesis in Counseling, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch [in Persian].

- Hamidi, A., Ahmadi, S., & Visani, M. (2014). *Investigating the Factors Affecting the Formation of Marital Infidelity: A Delphi Study*. Regional Conference on Divorce Pathology, Saqez: Islamic Azad University, Saqez Branch[in Persian]. Retrieved from <https://civilica.com/doc/279531>
- Honarparvaran, N. (2014). [The Efficacy of Acceptance and Commitment Therapy (ACT) on Forgiveness and Marital Adjustment among Women Damaged by Marital Infidelity]. *Quarterly Journal of Women and Society*, 5(19), 135-150 [in Persian].
- Jenkins, Q. T. (2015). *Husband's Response Infidelity*. PhD thesis in Psychology, University of Kentucky.
- Jamshidi Borkhani, Z. (2015). *The relationship between justifying extramarital affairs and lovemaking styles in married women in Karaj*. The First Comprehensive International Conference on Psychology, Educational Sciences and Social Sciences, Tehran: Kooshagstar Conference Center in collaboration with the country's universities [in Persian]. Retrieved from [https://www.civilica.com/Paper-PSYCHI01-PSYCHI01\\_064.html](https://www.civilica.com/Paper-PSYCHI01-PSYCHI01_064.html)
- Kalantarkousheh, S. M. (2012). Effects of existential issues training on marital communication among Iranian women. *Psihologijske Teme*, 21(2), 213\_224.
- Kretschmer, M., & Storm, L. (2018). The relationships of the five existential concerns with depression & existential thinking. *International Journal of Existential Psychology & Psychotherapy*, 7(1), 1-10.
- Keshavarz, M. (2015). *Explain the relationship between forgiveness, intimacy and love with marital satisfaction*. Master Thesis in Psychology, Islamic Azad University, Shahroud Branch [in Persian].
- Karimi Kakavand, M. (2018). *The effect of acceptance and commitment therapy on psychological well-being, marital satisfaction and meaning in life in cancer patients*. Master Thesis in Psychology, Mohaghegh Ardabili University [in Persian].
- Kianipour, A. (2018). *Comparison of the effectiveness of schema-therapy and narrative-therapy on combination with marital enrichment on the tendency to marital infidelity and marital satisfaction of women involved in marital infidelity*. PhD Thesis in Counseling, Kharazmi University [in Persian].
- Koery, G. (2013). *Theory and application of counseling and psychotherapy* (Y. S. Mohammadi, Trans.). Tehran: Arasbaran [in Persian].
- Leonidou, L. C., Aykol, B., Fotiadis, T. A., & Christodoulides, P. (2016). Antecedents & consequences of infidelity in cross-border business relationships. *Journal of International Marketing*, 25(1), 46-71.
- Labrecque, L. T., & Whisman, M. A. (2017). Attitudes toward and prevalence of extramarital sex & descriptions of extramarital partners in the 21st century. *Journal of Family Psychology*, 31(7), 952-957.
- Larsson, H., Ramgard, M., & Bolmsjo, I. (2017). Older persons' existential loneliness, as interpreted by their significant others - an interview study. *BMC Geriatric*, 17(1), 138\_148.
- Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: demographic, interpersonal, & personality-related predictors of extra dyadic sex. *Archives of Sexual Behavior*; 40(5), 971-982.
- MaCary, M. L. (2015). *Infidelity, trust, commitment, & marital satisfaction among military wives during husbands' deployment*. Minneapolis: Walden University.

- Malik, N., Nawaz, Y., Mehmood, B., Riaz, F., Mushtaq, S. K., & Khan, M. I. (2014). Causes and Consequences of Extra-Marital Relations in Married Women: A Case Study of Darulaman Sargodha. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 5(23), 2044-2053.
- Mah, K. (2019). Existential loneliness & the importance of addressing sexual health in people with advanced cancer in palliative care. *Psych oncology*, 28(6), 1354-1356.
- May, R. (1969). *Love and will*. New York: Norton.
- May, R. (1981). *Freedom and destiny*. New York: Norton.
- Omarzu, J., Miller, A. N., Schultz, C., & Timmerman, A. (2012). Motivations & emotional consequences related to engaging in extramarital relationships. *International Journal of Sexual Health*, 24(2), 154-162.
- O'Connor, V., & Canevello, A. (2019). Recovery & moving on after breakups caused by infidelity. *Journal of Loss & Trauma*, 24(4), 1-14. doi:10.1080/15325024-2019.1603005.
- Porjorat, M. (2016). A comparative study of early maladaptive schemas in women with marital infidelity experience and those who didn't have such an experience. *Acta Medica International*, 3(1), 89-93.
- Parvizi, A., & Behzadipour, S. (2019). Predicting sexual function based on love styles & maladaptive. *Journal of Holistic Nursing & Midwifery*, 29(1), 22-28.
- Pacher, A. (2017). Extramarital affairs in contemporary Japan: Current situation & trends. *The Journal of Sexual Medicine*, 14(5), 300-310.
- Rafiyi, Sh., & Jahromi, F. (2018). [The Relationship between Marital Betrayal and Love Styles with Couples' Sexual Satisfaction]. *Journal of Sociology of Education*, 11(11), 141-149 [in Persian].
- Sodani, M., Karimi, J., Mehrabizadeh, M., & Neisi, A. (2013). [Effectiveness of emotion oriented couple therapy on reducing the damage caused by marital infidelity]. *Journal of Research in Behavioural Sciences*, 10(4), 258-268 [in Persian].
- Sarmadi, Y. (2018). *Determining the extent and severity of injuries caused by infidelity*. Master Thesis in Psychology, Khatam University [in Persian].
- Shivarani, M., Azadfallah, P., Moradi, A., & Eskandari, H. (2017). [Narrative Exposure Therapy for Reducing Post-Traumatic Stress Disorder in Iranian Betrayed Wives]. *Clinical Psychology Studies*, 7(25), 85-106 [in Persian].
- Shakeri, F. (2018). *Comparison and prediction of tendency to marital infidelity based on dark personality traits and emotional cognitive regulation in women seeking and not seeking divorce*. Master Thesis in Counseling, Yazd University [in Persian].
- Schneider, K. J., Galvin, J., & Serlin, I. (2009). Rollo May on existential psychotherapy. *Journal of Humanistic Psychology*, 49(4), 419-434.
- Shackelford, T. K., Besser, A., & Goetz, A. T. (2008). Personality, marital satisfaction, & probability of marital infidelity. *Individual Differences Research*, 6(1), 13-25.
- Sundstrom, M., Blomqvist, K., Edberg, A. K., & Ramgard, M. (2019). The context of care matters: Older people's existential loneliness from the perspective of healthcare professionals-A multiple case study. *International Journal Older People Nurse*, 12234. doi:10.1111/opn.12234.
- Shrout, M. R., & Weigel, D. J. (2017). Infidelity's aftermath: Appraisals, mental health, & health-compromising behaviors following a partner's infidelity. *Journal of Social & Personal Relationships*, 35(8), 1067-1091.

- Selterman, D., Garcia, J. R., & Tsapelas, I. (2019). Motivations for extra dyadic infidelity revisited. *The Journal of Sex Research, 56*(3), 273-286.
- Schmidt, A. E., Green, M. S., & Prouty, A. M. (2016). Effects of parental infidelity and interparental conflict on relational ethics between adult children and parents: a contextual perspective. *Journal of Family Therapy, 38*(3), 386-408.
- Scheeren, P., Apellániz, I. d. A. M. d., & Wagner, A. (2018). Infidelidade Conjugal: An Experience de Homens e Mulheres. *Trends in Psychology, 26*(1), 355-369.
- Temple, M., & Gall, T. L. (2016). Working through existential anxiety toward authenticity: A spiritual Journey of meaning making. *Journal of Humanistic Psychology, 58*(2), 168-193.
- Tabatabai Bozorgi, S. (2018). *Relationship between existential components and burnout: The effectiveness of existential therapy on burnout and teachers' mental health*. Master Thesis in Counseling, Semnan University [in Persian].
- Utey, E. A. (2017). Infidelity's coexistence with intimate partner violence: An interpretive description of women who survived a partner's sexual affair. *Western Journal of Communication, 81*(4), 426-445.
- Weiser, A. D., & Weigel, J. D. (2015). Personality & individual differences. *Personality & Individual Differences, 85*(1), 176-181.
- Warach, B., & Josephs, L. (2019). The aftershocks of infidelity: a review of infidelity-based attachment trauma. *Sexual & Relationship Therapy, 1-23*. doi:10.1080/14681994.2019.1577961.
- Warach, B., Josephs, J., & Gorman, B. S. (2018) Pathways to infidelity: The roles of self-serving bias & betrayal trauma, *Journal of Sex & Marital Therapy, 44*(5), 497-512.
- Yuan, S., & Weiser, D. A. (2019). Relationship dissolution following marital infidelity: comparing European Americans and Asian Americans. *Marriage & Family Review, 55*(7), 631-650.
- Yalom, I. D. (1980). *The theory and practice of group psychotherapy*. New York: Basic Books.
- Zare, B. (2011). *Review of study on infidelity*. International conference on advanced management science, IACSIT Press: Singapore.
- Zeinali, A., & Amirsardari, L. (2018). Predicting infidelity proneness using early maladaptive schemas. *Journal of Health Research, 9*(1), 1-10.